

آذربایجان

مدیر: ع. شبستری
 سر دبیر: ا. شمس
 عنوان تلگرافی
 نامه آذربایجان
 جای اداره: خیابان توپخانه.
 روبروی بازار (موقتاً)
 بهاء اتصالات: صفحه ۲ - ۲ ریال صفحه ۳ - ۱/۵ ریال
 بهاء آگ شماره: ۵۰ دینار بعد از یکروز یکریال

بهاء آگ شماره: ۵۰ دینار بعد از یکروز یکریال

شنبه ۱۰ آبان ماه (۵۰ شماره افکار جمعیت آذربایجان) شماره ۱ سال ۱۳۲۰

وزنامه آذربایجان اولین روزنامه ایست که از طرف یک جمعیت و برای رساندن مرام و منظور او بجامعه در آذربایجان منتشر میشود. **وزنامه آذربایجان** سعی دارد: اوضاع اجتماعی گذشته و حال را تشریح کرده - عمل اصلی مفاسد اقتصادی و اخلاقی جامعه را تشخیص داده - و در هر جلسه سوم راه چاره عملی برای رفع فشارهای اقتصادی و اصلاح مفاسد اخلاقی جامعه پیدا کند.

اخطار بوکلای آذربایجان

وکلای آذربایجان! از آنجائیکه شما از یادگاریهای دوره منحوس پهلوی بوده و زمانی کرسیهای مقدس نمایندگی را اشغال نموده اید که ملت از خود اختاری نداشته و نمی توانست نمایندگان قانونی خود را انتخاب کند جمعیت آذربایجان عدم اعتماد خود را نسبت بشما اعلام داشته کلیه تصمیم و تصویب شما را خالی از اعتبار میدانند و انتظار دارد هرچه زودتر با مراعات اصول و شروطیت صحیح تجدید انتخابات شود.

دقت

راجع بعفو مقصرین سیاسی و کیفیت آزادی آنان که آیا حقیقه آزاد شده و یا نشده اند و در صورت آزادی بجایهای مخصوص تبعید شده و یا مختارزند بهر مکان و شهریکه بخواهند بروند در آتیه تحقیق و مفصلاً خواهیم نگاشت

شاد باش

همچو محترم ما مدیر روز نامه شاهین در شماره گذشته خود اسمی از روزنامه آذربایجان برده و شادباش گفته اند ماینز درنوبه خود از ایشان سپاس گزاری نموده موفقیت آن همکار محترم رادر کوشش در راه وطن و ملت خواستاریم و امیدواریم با انجام وظیفه مقدسی که جمعیت آذربایجان و روز نامه ما بعهدہ گرفته است بتوانیم در اصلاح جامعه با ایشان همکاری نائیم

قابل توجه جناب آقای استا ندار

استان سوم
 بقرار اطلاع واصله محصول گندم قسمت شرقی آذربایجان در بستان آباد متمرکز شده و هر روز مرتباً بوسیله کامیونها به تهران حمل میشود. البته هیچ کس نمیتواند مانع این بشود که یک نفر زارع یا مالک محصول خود را که حاصل یکسال زحمت و سرمایه خود میباشد نفروشد بلکه چیزیکه قابل تذکر میباشد اینست که آذربایجان خود محتاج گندم میباشد. حال که جناب آقای استاندار تصمیم به اصلاح خراب کاریهای گذشته گرفته اند مقتضی است که با در نظر گرفتن وضعیت نان شهر تبریز در سال گذشته و شش ماهه اول سال جاری قدغن اکید فرمایند مادامیکه آذوقه شهر تبریز از حیث گندم و آرد و غیره برای یکسال تمام یعنی تا موقع بدست آمدن محصول سال آینده کاملاً تامین نشده از صدور گندم جلوگیری بعمل بیاورند -
 جمعیت آذربایجان

در حقیقت اساس و منبع این دو قوه بوده است... این بود نتیجه عملیات ۴۷ ساله حکومت (جیب من و معدودی) که سرپرست آن رفته و ملت را با یکدنیا درهم ریختگی و آوارگی با غولهای فقر و گرسنگی دست بگریبان گذاشت. البته تصدیق خواهند فرمود که در این موقع چقدر فکر - انرژی و فداکاری لازم است تا آن آثار را پایمال نموده بجای آن تشکیلاتی که موافق صرفه و صلاح باشد برقرار سازد. اگرچه جمعیت و نامه آذربایجان خود را برای اصلاح چنین ملتی وقف و آماده نموده و این بار بسیار سنگین را بردوش گرفته است در عین حال محتاج مساعدت است و علاقه مندان ملت و اشخاصی را که جامعه می تواند درمان دردهای خود را در افکار آنان پیدا نماید دعوت نموده میگوید: نامه و جمعیت آذربایجان و سایر هموطنان تان انتظار یاری از شما دارند. دریابید تا دست بهم داده بتوانید این کشتی شکسته را بساحل نجات برسانید.

راه نامه آذربایجان

بکشائید و این ملت بدبخت را از آوارگی خلاصی دهید.

نامه آذربایجان که به مساعدت جمعیت آذربایجان در افاق مطبوعات پدیدار گردیده همان دهان حق گو است که میخواهد حقایق را آشکار کرده و معایب را شرح دهد - حرفهای اور ابه چشم غرض نگاه نکنید که نیش آن نوش بوده درد های شمار را شفا میبخشد. راه نامه آذربایجان این است که خود را آئینه وضع و افکار جامعه و احتیاجات روزانه ملت قرار داده در هدایت و تنویر افکار آن بکوشد تا بتواند بقدر امکان و قوه خویش شاهراه ترقی را بجامعه نشان داده موافقی را که پیش پای ملت گذارده شده بر طرف نمایند.

البته هموطنان محترم میدانند که جمعیت و نامه ما چه وقت و در چه آن قدم بیدان جدال میگذازد. چه حالا وقتی است که رشته انتظامات ملت از هم گسیخته و شالوده های غلطی که در عرض هفده سال پیش ریخته شده بود باز بجای خود باقیست.

حکومت سابق جز چپاول و غارت - فلج کردن تجارت و انحصار منابع ثروت با اسم اصلاحات و تعقیب سیاست اقتصاد ملی منظوری نداشت و استبداد مطلقه را حکومت مشروطه اسم گذارده و قوای سه گانه را آلت دست خود قرار داده بود قوه قضائیه از خود اختیاری نداشته از طرفی قوانین و بخشنامه های ناقص و ناقض و از طرف دیگر دستورهای سری ملوکانه که دستگاه دربار از آنها روزی هزارها بیرون میداد دست و پای آنرا محکم بسته بود.

قوه مقننه که جز ماشین برای بیرون دادن قوانین سفارشی نبوده است مفاد گفته حافظ (هرچه استاد ازل گفت من آن میگویم) را عمل نمینمود. قوه مجریه هم محتاج بتوضیح نیست و

هالی این آب و خاک را هرژه باد که طوفان ناگهان حادثات ابراستبداد را از افق این سرزمین دور نموده و ستاره آزادی در آسمان مطبوعات درخشید. گذشت آن روزهایی که مجلات و روزنامه - با بجای تنویر افکار جامعه و درج تقاضای ملت مانند شعراء وندمای چند صد سال پیش اوقات خود را در مداحی این زیر و خوش آمدگفتن بآن رئیس صرف بوده چاپلوسی و تملق را بعد اعلای بود میرساندند. اکنون بر ماست که برده روی حقیقت بر داشته آنچه بایستی گفت بگوئیم و راه راستکاری را پیش گیریم. از شما انصاف میطلبیم آیا چه چیز بود که باعث بیچارگی ما شده و ما را این روز سیاه گرفتار نمود؟ این نبود که دانشمندان و بزرگان ما خوب را بد ملوه داده و بد را خوب قلمداد نمودند؟ بن نبود که مخالف آنچه میدانستیم بیان کردیم و برای اینکه ریزه خوار خوان باین شده و از نندی که آنان میبردند کلاهی نیز بما برسد. با ظاهر سازیهای و ام فریب ملت بیچاره را دچار غفلت بودیم سهل است که تظاهرات را باندازه ساندیم که خود را نیز دچار اشتباه کرده و دروغ را راست پنداشتیم؟ در صورتیکه آنانکه از خارج ناظر اعمال بودند لکن عروسک بازیهای ما را می بینند و با قیقه با میخندیدند!

ما آشکارا میگوئیم که ملت افکار جامعه تقصیری ندارد. تقصیر شخصی متوجه است که خود را روشن - گس و راهنمای ملت معرفی نموده شب روز تعبیر کرده و ظلمت را نور معنی دادند! اگر گمان شبان نا بقدری ملت را بین نموده و ترسانده اند که رشته تفکر محکم از دست آنان رفته و از سایه خود نیز رها میشوند!

ای برادران! کسی! بس است این برهه یوشی ما یکچند دیوان بحق گوئی

قند و شکر

جمعیت آذربایجان با در نظر گرفتن این هرج و مرج قند و شکر و بنا برخواهش بقضی از مقامات مربوطه وسیله بسیار سهلی تهیه و بجامعه خود تقدیم و بدین واسطه خدمات لازمه را انجام و اجرای مرام مینماید. با ترتیب دادن این ورقه که ذیلا شکل آنرا ملاحظه میفرمائید بنظر جمعیت آذربایجان هرج و مرج قند و شکر خاتمه خواهد پذیرفت اگر اشکالی بنظر قارئین محترم رسیده و یا ترتیب بهتری برای بهبودی وضعیت قند بفکرشان برسد کتبا بآدره روزنامه بفرستند

شماره ورقه قند و شکر					
بموجب این ورقه آقای خانم دارنده شناسنامه شماره میتواند در هر ماه مقدار یک کیلو قند از شعبه شماره قند و شکر خریداری نماید.					
۱ - صاحب این ورقه در هر ماه یکی از قطعات سوراخ شده ذیل را که بجای پته است برده قند یا شکر خود را اخذ و ورقه را بفروشنده تسلیم مینماید.					
۲ - فروشنده باید پس از تسلیم جنس بروی آنماه با مهر باطله که شماره شعبه را نشان میدهد زده و در مقابل قند یا شکر تحویل شده بموسسه قند و شکر تسلیم نماید والا بمقدار جنس که از موسسه اخذ نموده مسئول است.					
۳ - پس از اتمام قطعات دوازده گانه صاحب ورقه باقی ورقه را آورده و ورقه جدیدی اخذ خواهد نمود.					
مهر ماه	شهریور ماه	مرداد ماه	تیر ماه	خرداد ماه	اردیبهشت ماه
۱ کیلو	۱ کیلو	۱ کیلو	۱ کیلو	۱ کیلو	۱ کیلو
فروردین ۲۰	اسفند ماه	بهمن ماه	دی ماه	آذر ماه	آبان ماه
۱ کیلو	۱ کیلو	۱ کیلو	۱ کیلو	۱ کیلو	۱ کیلو

تصویر - این ورقه با دستیاری سه نفر توزیع خواهد شد: اول نویسنده از روی شناسنامه ورقه را تنظیم خواهد کرد. ۲ - امضا کننده نمره سچل را با ورقه تنظیم شده تطبیق و پشت هر یک از قطعات دوازده گانه را امضاء خواهد کرد. ۳ - مهرزن نیز نمره ورقه را با سچل تطبیق کرده و زیر امضا های قطعات را مهر خواهد کرد.



البته این پیشنهاد در صورتی عملی شده و منتج نتیجه خواهد شد که در هر بخش بقدر کافی شعبات فروش قند گذاشته شده و مراقبت در انتظام و بررسی این اوراق بشود. امید است که شرکت قند و شکر این موضوع را هر چه زودتر مراعات خواهد نمود.

آذربایجان

همشربهای خود نموده و هر روز و هر ساعت راه دیار دیگر را پیش گرفته و هیچ بشکر این نمی افتند آنهاست که در این شهر باقی مانده و با چشمهای حسرت به سوی ما نگراند برادران و خواهران نوعی ما بوده و شایسته فتوت و آزاد مردی چنین اقتضا میکند که از جنین و بزدلی اجتناب نموده با باقیمانده گان شهر و آن هائیکه این مرز و بوم را برای خودشان خانه آباد و اجدادی میدانند در غم و شادی و بیم و امید انباز بشوند !!!

در این صورت با تصدیق مراتب مزبوره تمی مینمایم در صورت اقتضاء نام و نشان آن آقایانیکه با فرار کردن از شهر تبریز پشت پا بماطفه زده و داغ زنیقی (فرار) مادام العمر در پیشانی آنها خواهد درخشید جبهه عبرت سایرین در جریده شریفه خودتان درج فرمایند . ط .



در این موضوع بعدا بطور تفصیل اظهار نظر خواهیم نمود.

آذر با یجان

مکتوب سرگشاده

اداره روز نامه جمعیت آذربایجان بطوریکه مرسوم و معمول به ابناى بشر در تمامی ازمنه بوده در مواقعیکه یک ادبار و یک مصیبت یکی از افراد جامعه وارد میشود دوستان و آشنایان و اقربای آن شخص بمقاد بنی آدم اعضای یکدیگرند عمل نموده برای تسلی خاطر و تخفیف غم و الم او دور آن شخص جمع شده با تشریک مساعی و اظهار همدردی و با وسایل مقتضی دیگر موجبات تسکین خاطر و ترمیم قلب شکسته او را فراهم میاورند برعکس همشربهای محترم ما آنهاستیکه پرورده این آب و خاک بوده و سالیان متمادی باناز و نعمت در این شهر متمتع و جمله مقدس حب الوطن من الایمان را با خلوص نیت از حلقوم جاری و سنک وطن را سه ضربه بسینه زده و خودشان را مظهر قدس و دیانت معرفی میکردند در این روز های تاریخی پشت به

آذربایجان که با نیت پاک برای اصلاح جامعه قیام کرده است همکاری ننائید تا آزادی کامل در جامعه برقرار شده و مرام نامه پنجگانه جمعیت آذربایجان عملی گشته آسایش عمومی تامین گردد . حمید داراندازی

دوره عصر فرخنده هستند حل و فصل خواهد شد؟

معلوم است که زافع مادامیکه مزرعه خود را کود نداده و دانه بر آن نکاشته و برای پرورش دانه زحمت زیاد نکشیده و مبالغی هنگفت خرج نموده است امید برداشت نفع نداشته و جزئی سود از آن نمیتواند بردارد. آیا مامورین دولت ازین تجار کم سرمایه و بی متاع و این کارگران لخت و بینوا و این صنعتگران آواره و سرگردان و این زارعین پابرهنه و عریان چه میخواهند و ازین مزرعه بی بذر امید سود دارند؟ این اشخاص بطوریکه در دوره گذشته معلوم گردید جز صرفه خودشان فکر نکرده و صلاح جامعه را نمی نگرند .

من آن اشخاص را مخاطب قرار داده با صدای بلند میگویم : ای آقایان رحم کنید انصاف نمائید و ازین مظلومان دست بردارید شماها جبرا بماملت بیچاره تحمیل گشته اید . ای وکلای فرمایشی که مامورین کلاترپها و امانیه ها برای انتخاب شما از این ملت بدبخت و مظلوم بزور رای می گرفتند حالا ملت از زیر بار استبداد آزاد شده و وکلای قانونی و درستکار را خواستار است و شمارا فاقد اعتبار می پندارد . ای ستم دیدگان و ای ملت مظلوم جمع شوید و برای طرد این دزدان و گرگان جامعه فکری نمائید و مخصوصا شمارا دعوت میکنم که با جمعیت

وارده

اداره روزنامه آذربایجان متمنی است در صورت قبول در شماره اول خود این مقاله را درج فرمایند . اکنون که دوره استبداد سپری شده و جامعه از آزادی دم میزنند هر فرد در حدود وظیفه خود می تواند نظریاتی که بنفع و یا ضرر جامعه تماس میکند اظهار نظر نماید بنده نیز در نوبه خود ناچار شدم در اطراف لایحه مضاعف نمودن حقوق مستخدمین و اینکه تنها طبقه مستخدمین مورد توجه اولیای امور شده و بسایر طبقات توجهی نمی شود تذکراتی بدهم :

الته اضافه نمودن حقوق مستخدمین جزء که نمی توانستند مخارج ضروری خود را تامین نمایند خیلی بموقع و ضروری است ولی اضافه نمودن حقوق مامورین بلند پایه که عایدات شخصی داشته و در عین حال مقامهای مهم و بر نفی را اشغال نموده اند تحمیل بیشتری بر این ملت بیچاره بوده و بسا بموقع و موجب تعجب است پرواضح است که علت این پیشنهاد این است که همان مامورین بلند پایه فعلا نیز مصدر کار بوده چنین لویج رایگی پیشنهاد و دیگری تصویب مینماید.

آیا این اشخاص سابقا در مقابل کدام خدمت بر ملت و بر مملکت دارای این مقام و مستحق این حقوق گزاف شده اند که فعلا نیز در اثر حسن خدمت خود بحقوق آنان افزوده بشود؟ مگر این آقایان اشخاصی نمی باشند که بیست سال تمام ملت را چپاول نموده و فعلا نیز سنک وطن بسینه خود زده بشیرمانه اعتراف میکنند که هر چه تاکنون مصرف شده بیجا بوده و بهدر رفته است مگر متصدیان امور خرابکارهای خود را نمی دانند و درک نمی کنند که هر شخص که وظیفه خود را صادقانه و موافق وجدان انجام ندهد ارزشی نداشته و مستحق مزد و مقام و احترام نمی باشد .

می توان گفت که اضافه نمودن حقوق بر حسب احتیاج مامورین نبوده بلکه با تناسب مقام آنان عملی گردیده است روشن و مسلم است که ادنی توجهی به احتیاج و بدگذرانی و تنگدستی مامورین کوچک نگردیده است . حال دیگر دوره عصر فرخنده و مشمشع که مورد استهزاء شده است نیست که مردم را با عبارات بی اساس عطایا و هدیه های ملوکانه فریب دهند . مخفی کردنی نیست که این اضافه حقوق نه برای آن است که وضعیت زندگانی مامورین کوچک تامین شود بلکه بهانه و عنوانی است که مفت خوران سابق مبلغی بحقوق خود افزوده یک کاسه دیگر از خون جگر فقرا و بیچارگان بنوشند . آیا دیگر این نقشه های بوالهوسانه بی پایان نرسید . آیا باز مقدرات ملت پس از بیست سال بندگی و برده گی مطابق آمال و آرزوی اشخاصی که نمونه

حقیقتی از آن کوچک حکایه لری

« بو ستوندا همیشه برپاره »
 « ایشلر که جامعه ده اتفاق دوشوب »
 « و قابل توجه در لری درج اولنه جاق »
 « بو موضوع عده کناردن گلن »
 « مقاله لری ده قبول ایدوب حک »
 « و اصلاح و درجنده روزنامه »
 « اداره سی مختار در . »

وطن آرسن لوپنی

آلد یغز اطلاع گوره نچه گون بوندن اول بو حکایه اتفاق دوشمشدر : بر حاجی سحر ایوبندن چیخار ایکن خانمی حاجینون قالاچی دکانه کیدوب ایوبن مس قبالارینون آغاریلماقی ایچون قالاچی ایله دانشماقی اونا سفارش ایدز حاجی ایوبن چیخوب قالاچی دکانه کیدر قالاچی ایلمن قبالاری آغارتماق موضوعنده دانیشیر . چوق دانیشیق دن صورنا حاجی ایله قالاچی نین سوداسی دوتیبوب حاجی اوزایشینن دالینجا کیدر . حاجی ایله قالاچی دانشدیقی ائنده نچه نفر شهرین بیکارلریندن اونلارین دانشد یقین ایشدوب ، ایشدن خبر دار اوماشدر لر . اونلارین معامله سنین باش- دوتماماقینی گورنده فوراً برتلیس توربا تاپوب حاجین قاپوسنه کیدر لر اونلارون بریسی قالاچی شاگرد رولینی قبول ایدیر ! تلیس توربانی چکینه آتوب حاجین قاپوسینی دوگور . حاجین خانمی قاپونی آچوب کیم اولدیقی سنوال ایدیر ؟ قالاچی شاگرد رولینی اوننایان چوخ ملایم و آرام برطوریله جواب ویریر :
 - خانم من کوچه باشیندا کی قالاچی نون شاگردییم آقامنی بوللادی قبالاری دکانه آباروب آغارداخ .

خانم بو سوزی اینانوب قبالارین هاموسینی ایوبن یغشدیروب وطن آرسن- لوپنه ویریر .
 آقشام چاقی حاجی ایوبه قایدیر - خانم قبالارین نه ایچون گتیرمه گینی سنوال ایدوب دیور بو کیجه شام بیکه حتی قابیز بوخدر - لازمدر ایندی کیدوب قبالاری گتیره سن . حاجین گنه اوزگه برشی خیالینه گلیموب اوز پانندا فکر ایدیر که ممکندر او بازاره گیتدیکدن صورنا قالاچی او ویردیگی قیته راضی اولوب قبالاری آغار تماقا آباروب دیور فوراً باش آچق ابو پالتاریندا قالاچی نین دکانه کیدر قالاچی قبالاری گتیر- مکدن بی اطلاع اولدیقی حاجیه دیور حاجی ایله قالاچی آراسندا بیوک بیر مجادله قاوزانیر . بو ائنده وطن آرسن لوپنی فرستدن استفاده ایدوب ایکنجی دفعه حاجین ایوبنه کیدر لر . قالاچی شاگرد رولینی اوننایان قاپونی دوگوب دیور :
 - حاجی دیور منیم تازه پالتار -

حال مجلسی

هر کیم گلرسه گلسون میدان گنه بیزیم دور قاجار دوره سینده بزده اولوردی هر ایش هر کس داداردی بیزدن مین جوهره رنجه ویش
 دور چال قوالی اوینا دوران گنه بیزیم دور
 اوند اکر ایسته سیدوخ هر کندی تیز آلودوخ گاهی وزیر اولوردوخ که راجته قالیردوخ
 دور چال قوالی اوینا دوران گنه بیزیم دور
 مشروطه اولدی ایران اولدوخ وکیل ملت قانونی بیز دوزتدوخ بر نفع ما و دولت
 دور چال قوالی اوینا دوران گنه بیزیم دور
 اولدی عوض حکومت گلدی بیر آیری سلطان اول آتیلدی دوشدی گلدی صوراً بزه یان
 دور چال قوالی اوینا دوران گنه بیزیم دور
 شاه آلدی کندی بیزله هر ایشده شرکت ایتدی آخرده پیشوامز اولدی مرامه یتدی
 دور چال قوالی اوینا دوران گنه بیزیم دور
 تیار و مالک اولدی مالک رقاب ملت اولدوخ وکیل مجلس اولدوخ رئیس شرکت
 دور چال قوالی اوینا دوران گنه بیزیم دور
 دوران پهلوی ده تثبیت نرخ غله سایدوخ وجوبینه مین برهانیله ادله
 دور چال قوالی اوینا دوران گنه بیزیم دور
 مالک لره آچیلدی تثبیت آدیله دکان کم کم یوخاری گیتدی تا اولدی اللی تومان
 دور چال قوالی اوینا دوران گنه بیزیم دور
 ایدمگی که ایش دیکشیدی مطلب گنه همان دور قوی آدین آیری بیر زاد کشف ایلمه اماندور
 دور چال قوالی اوینا دوران گنه بیزیم دور
 تثبیت آدیله بوغدا اون آلتی تومان گوردوخ بوظلنی لیکن بیز اولدادوخ هراسان
 دور چال قوالی اوینا دوران گنه بیزیم دور
 بو دوره ده نه یاخشی تابدوخ موفقت یوخسول گرک دی چکسون هر یاندا بارذلت
 دور چال قوالی اوینا دوران گنه بیزیم دور
 باجادان باخان

بخوانندگان عزیز
 گرچه نطق آقای ملایری راجع به کشته شدن سید بزرگوار آقای مدرس را روز نامه های مرکز درج نموده و هموطنان محترم تاحال خوانده اند ولی نظر بر اینکه این موضوع در تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران یک نکته برجسته بوده و در حقیقت خلاصه تاریخ جنایات دوره حکومت سابق میباشد و هر فرد از افراد باید یک نسخه از آنرا داشته باشد لذا در شماره بعد عین نطق مزبور را درج خواهیم نمود .
اخطار مهم
 هیئت آکتورال جمعیت آذربایجان تشکیل شده و در آتیه نزدیک ناپیشت قابل توجه خود را بمعرض تماشا خواهند گذاشت البته غفلت نفرمائید که این ناپیشت بهترین آئینه افکار و اوضاع جامعه میباشد
تذنی
 از آقایانیکه مایل باشند شرکت روزنامه آذربایجان هستند تمینی میشود که تقاضای کتبی بداره روزنامه فرستند .
دفتر آذربایجان

اخبار شهری
ورود
 سرکار سرهنک عبدالله سیف که سابقاً نیز در آذربایجان مشغول انجام وظیفه بودند در این اواخر وارد تبریز شده اند .
 امید داریم نظر بملاحظه اینکه ایشان نسبت بخاص آذربایجان دارند در انجام تقاضاهای قانونی جامعه آذربایجان مساعدت لازمه را خواهند فرمود . آذربایجان
 از قرار اطلاعی که بدست آمده سرکار سرهنک غلامعلی ملک الکتابی نیز بسمت ریاست امنیه استان ۳ وارد تبریز شده اند .
مسابقه های اجتماعی
 از شماره های بعد در روزنامه آذربایجان یک سلسله مسابقه های اجتماعی نوشته خواهد شد . آقایان ارباب فکر و مطالعه را دعوت میکنیم که در این مسابقه ها شرکت نمایند تا بدین وسیله وضعیت جامعه کاملاً خلاصی شده و بتوان راه چاره صحیح برای آن پیدا نمود .

راجع به موضوع نخب
 بطوریکه خاطر خوانندگان محترم از وضعیت نخب مستحضرنند که هزارها نفر کارگر فدای مطامع شخصی شده و از کار بازمانده اند مقاله مفصلی رسیده و در شماره بعد خواهیم نگاشت .
لاریمی و بورکیمی ویرسونلر کلاترئیه کیدیورم
 خانم حاجین بورکی ایله پالتار- لاریمی وطن آرسن لوپنه ویریر . بر آز صورنا حاجی ایوبه قایدوب بورکی ایله پالتارلارینون گیتسنی دها ایشیدبور .
 بز بو (وطن آرسن لوپن لرین) بیکارلوق نتیجه سنده عمله گلدیگی بیلوب هموطن لریمزه کارخانه لری آچوب یا آیری بیر وسیله ایله اونلاره ایش تاپماقی و بیکار لوقی رفع ایتمک ایله شهرین امنیتنه یاردیم ایتمه لرین توصیه ایدیریز .
آذربایجان



هر کیم گلیر سر کلسون میدن کنه نبریم ده
دور چالی ناولی اویناد واران کنه نبریم ده

آذربایجان

شنبه ۱۴ آبان ماه

(ناشر افکار جمعیت آذربایجان)

شماره ۲ سال ۱۳۲۰

روزنامه آذربایجان اولین روزنامه ایست که از طرف يك جمعیت و برای رساندن مرام و منظور او بجامه در آذربایجان منتشر میشود روزنامه آذربایجان سعی دارد: اوضاع اجتماعی گذشته و حال را تشریح کرده - علل اصلی مفاسد اقتصادی و اخلاقی جامعه را تشخیص در داده - و مرحله سوم راه چاره عملی برای رفع فشارهای اقتصادی و اصلاح مفاسد اخلاقی جامعه پیدا کند.

انقلاب فکری لازم است

اگر نظری بادوار مختلفه تاریخ این سرزمین انداخته شود تنها دو نقطه برجسته ای در آن می بینیم که حقیقتا میتوان گفت که آن دودوره از نقطه نظر اجتماعی و نهضت ملی و آزادی این سرزمین اهمیت بسزائی را حائز است و آن دودوره انقلاب بزرگ مشروطه ایران و دیگری نهضت اوایل دوره پهلوی میباشد. البته میتوان گفت که آزادی قلم و مطبوعات در آن دو دوره تا اندازه وجود خارجی پیدا کرد و در نتیجه روزنامه ها و مجلاتی بوجود آمدند که نویسنده گان آن سعی داشتند که اوضاع استبدادی و کیف مایشائی را بقدر امکان انتقاد نموده ملت را با اصلاح جامعه دعوت نمایند ولی در اینجا است که باید از خود سوال کنیم که علت چه بود که عمر آزادی و نهضت آن دوره ها خیلی کوتاه گردید و اثرات آن همه انتقادها و آن همه هیاهو و نهضت ها آنی شده و پس از آن همه کوشش و فداکاریها که ملت در راه آزادی و ترقی کشیده بود دو مرتبه اوضاع حکومت و جامعه بحال اولیه خود سهل است، بحال بدتری دچار گردید؟

جواب این سوال خیلی واضح است چه تاریخ ثابت نموده است که هر جنبش و انقلابی باید روی یک پایه و اساس محکمی بوجود آید و مادامی که وسایل فکری و معنوی انقلاب فراهم نیامده؛ هر انقلاب و جنبشی که بصل آمده بی نتیجه و عقیم مانده است.

اگر ما در تاریخ مشروطیت ایران درست دقت نماییم می بینیم که انقلاب آن وقت پایه فکری و معنوی نداشته بلکه در اثر فشارهای طاقت فرسای پاره اشخاصیکه اختیار ملت را بزور و یا بوسایل دیگر بدست گرفته و از این اختیار سوء استفاده مینمودند و ملت را جز يك گله گوسفند تصور نکرده بکارهای وحشیانه خود بدون ترس و احتیاطی اقدام میکردند بوجود آمده بود. بقیه دارد

خیر مقدم

چند روز پیش جناب آقای جهانبانی وزیر کشور ایران تشریف فرمای آذربایجان شده اند. البته آذربایجانیان بخاطر دارند که پدر بزرگوارشان در ادوار پیشین چقدر در راه آزادی و استقلال ایران فداکاریها نموده و بالبال در راه پیشرفت منظور مقدس خود جان خود را در این خاک پاک تسلیم نمودند.

روزنامه آذربایجان بدین وسیله ورود معظم الیه را خیرمقدم گفته و انتظار دارد که جناب آقای وزیر با احترام خون پاک پدر بزرگوارشان که در خاک آذربایجان ریخته شده تقاضاهای قانونی آذربایجانیان را دریافته و در انجام آنها عملا مساعدتهای لازم را خواهند فرمود

راجع به موضوع غله خوانندگان محترم مسبقند که ما در شماره اول روزنامه شرحی راجع به حمل غله نوشته از جناب آقای استاندار تقاضا شده بود که در تامین آذوقه یکساله آذربایجان توجه لازم بشود. اخیرا در تعقیب همان موضوع مراسله ای از طرف اداره غله استان ۳ باداره روزنامه رسیده است که غله بهیچوجه از استان آباد بخارج حمل نمیشود لذا موضوع مزبور را بدین وسیله با اطلاع هموطنان عزیز می رساند تا رفع اضطراب شود.

توجه خوانندگان محترم را باین نکته نیز جلب مینماییم که در موضوع غله که در شماره اول درج شده بود مقصود ما از تامین آذوقه یکساله شهر تبریز تامین آذوقه آذربایجان بوده و بدینوسیله رفع اشتباه می نماییم.

دقت

با آقایان محترمی که روزنامه آذر-بایجان برای ایشان فرستاده میشود اخطار میشود که اگر تاشماره سوم روزنامه هارا پس نفرستند اداره روزنامه ایشان را جزو مشترکین محسوب خواهد داشت.

چرا آذربایجانیان بو گلاهِ خود خوشبین نیستند؟

انتخابات سابق موافق اصول مخصوصی که نه اصول استبداد، نه مشروطه و نه جمهوریت بدان میتوان اطلاق نمود، انجام یافته و اشخاصی بوکالت انتخاب میشدند که قیلا قوانین و نظامنامه هائی که بعدا احتمال میرفت پیشنهاد شود امضاء مینمودند.

ما آشکارا می گوئیم که انتخاب آن آقایان مطابق قانون اساسی و اصول مشروطیت نبوده و غیر قانونی است. حال که دولت حاضره حکومت مشروطه را شمار خود قرار داده و می خواهد مطابق اصول مشروطیت رفتار نماید نبایستی دو مرتبه همان و گلای دوره استبداد را باین ملت بدبخت تحمیل کرده و بدین ترتیب مثل دوره های سابق دست و پای آنرا به بندد. بلکه برای اینکه رضایت ملت را بخود جلب کرده و عملا بهمماند که کارهای دوره سابق را تجدید نخواهد نمود خود دولت نیز لازم است بیارلمان فعلی که فاقد صلاحیت قانونی است اعتباری قائل نشده و تجدید انتخاب بات نماید.

البته ما خود تصدیق مینماییم که اغلب افراد ملت معنی مشروطه، قانون و پارلمان را هنوز درست درک ننموده و نمی دانند که انتخاب وکیل برای چه چیز بوده و کدام اشخاص باید بوکالت پارلمان انتخاب شوند. ولی این مسائل را نیز باید بوسیله گفتن و نوشتن بآنان فهمانید و آنان را بحق خویش آشنا نمود و جز این چاره دیگری بنظر نمیرسد.

بهمین منظور است که ما کوشش خواهیم نمود که در شماره های بعد مرتباً مقاله هائی راجع به ترتیب انتخابات و وظیفه و کلاء پارلمان در حکومت مشروطه بنگاریم تا افراد ملت کم کم بمعنی قانون و اصول مشروطیت آشنا شده بتوانند از حقوق حقه خود دفاع نمایند.

نظر بر اینکه ما در شماره قبل مختصری راجع بو گلای آذربایجان نوشته بودیم اینک در این شماره خواستیم نظریه خود را در این موضوع مفصلا شرح داده و مقصود خود را بطور صریح بفرماییم:

مسلم است که وقتی روزنامه آذربایجان بدست آقایان و کلا میرسد قبل از همه چیز اخطار جمعیت توجه آنان را بخود جلب خواهد نمود و پس از خواندن آن بالطبع اخیهای خود را توهم کرده ممکن است حرفهائی نیز پشت سرما بزنند و باینکه خود آنان وجدانا گفته های ما را تصدیق خواهند کرد بگویند که روزنامه آذربایجان نبایستی باین صراحت لجه اخطار سلب اعتبار را در شماره اول خود بنویسد.

ما در جواب آن آقایان میگوئیم که روزنامه ما هیچوقت با کسی غرض شخصی نداشته و مثل بعضی روزنامه های سابق نیست که بانوشن فحش و ناسزا اشخاص را تهدید کرده و بدین وسیله کیسه طمع خود را پر نماید و همچنین خیال جار و جنجال و هیاهو را نیز ندارد بلکه علت نوشتن اخطار سلب اعتبار اینست که آنان موافق اصول مشروطیت انتخاب شده و و گلای قانونی ملت نیستند؛ در دوره حکومت سابق که ظاهرا حکومت مشروطه بوده گولی باطناً حکومت استبدادی سهل است که از حکومت بربریت نیز گذشته بود؛ اغلب افراد ملت در مدت بیست سال اخیر اساساً از وجود پارلمانی در نهران بی اطلاع بودند و بارة اشخاص نیز که از پارلمان و وکیل چیزی بگوششان خورده بود از کیفیت انتخابات و انتخاب شدگان بی خبر بوده و فقط ممکن بود که در موقع عبور از خیابان تصادفاً باعلان انتخابات برخورد کرده باشند. میتوان گفت که درحقیقت

نطق آقای ملایری

در مجلس شورای ملی - راجع به گشایش شدن آقای مدرسی

آقای ملایری - عرض بنده امروز مربوط بواقعه ایست که در دنیا نظیرش کم اتفاق افتاده گریخته آقایان محترم اغلب راجع باینست داد املاک و پول و جواهر سخن سرآبی فرموده اند ولی بعقیده من مخلص گوهر گران بهای یک مملکت انسان و آدم کشور است که اگر از دست رفت بلاعوض نیست.

مک یاول ایتالیائی در پانصد سال قبل میگوید که اگر مالی از دست شما رفت غصه نخورید مال عوض دارد و اگر حیثیت شما در شرف رفتن باشد آنهم اعاده اش ممکن است ولی کوشش و سعی کنید که شجاعت خود را از کف ندهید که اگر ملتی فاقد شجاعت شد هیچ عوض ندارد.

همه آقایان محترم میدانند بشهادت حسن و تاریخ مثل مرحوم مدرس مقبول سندی بزرگ و شجاع که توأم باشد با وطن خواهی و بلندفکری و پاک دامن نه من دیدم نه دانای خیر زاد.

این بزرگوار چون وحی او هشتم بمؤخرت مخطوطه بخدیبه اش و تاریخچه بیست ساله ای که یادداشت دارم چنانچه بوده و شده در طرز کشتن آن مرحوم اینطور عقیده داشتم که این قتل فحیح در ۱۹۰۳ رمضان سه سال قبل بوده ولی بگفته از آقایان رفع اشتباه نموده و فرمودند ۲۶ رمضان تحقیقا کشته شده است باین ترتیب که بعضی آقایان میرسانم بعضی از اینک نواتی معروف چنانچه نظمی ماموریت استی مرحوم را پیدا میکند و وزارت میندهد در ضمن زانبرت میتوسند که اشندی بر این شورش خیال داشته که مدرس را وارد خراسان کند.

امر قتل مدرس میشود اول بر رئیس نظمی خواف امر می شود ایشان ابا

راجع به پست

یکی از عوامل مهم تولید امنیت که در حسن جریان امور بازرگانی و غیره نیز تاثیر بسزائی دارد ایجاد ارتباط مرتب پستی بین مرکز و استانها و نقاط حداس و دیگر کشور میباشد.

با مدارکی که در دست است تا سوم شهریور ماه سال جاری پستهای تبریز تهران و قنات دیگر که با تبریز مبادله پستی دارند با تاخیرات فاحشی حمل و نقل میشوند صرف نظر از اینکه بطی جریان حمل و نقل پستها باعث تاخیر ایصال نامه های جمهور و زبان توده بازرگانان و پیشه وران میباشد در امور ات ادارات دولتی نیز تاثیرات سوئی داشته و موجبات پاره بی ترتیبی ها و وقفه کار را فراهم مینماید متاسفانه وزارت پست و تلگراف و اداره مرکزی پست بموضع اینک در

میورزند باین معنی که موقع مقتضی نیست و بعلاوه در سرحد کشور اسلام افغانستان واقع هستیم مبادا کشتن سید بسکناه اسباب شورش فراهم نماید و من مصلحت نمیدانم از خراسان بکنفر صاحب منصب که فعلا در قم است رئیس نظمی که کاظم میرزا جهانسوزی است و سابقا در جوانی نوکر رئیس التجار خراسانی بوده داد و نواز اجزاء تأمینات مامور قتل سید میشوند داوطلبانه میروند بخواف سید را از خواف حرکت میدهند به ترشیز که کاشمر باشد در خانه شخصی نجازی مرحوم سید هم روزه بوده عصر سوار بر آتش مینمایند و چائی را دم میکنند و مقارن یکساعت بغروب مانده روز ۲۶ رمضان سم مهلاک را در چائی میریزند و به آقای مدرس تکلیف خوردن مینمایند ایشان می گویند که هنوز افطار نشده صبر کنید افطار خواهیم خورد می گویند با بد بخورید و چاره ندارید بعد که تضحیه را ملتفت میشود اجازه دور کمت نماز می خواهد اجازه میدهند سید میایستد و بقبله مثل جدش موسی بن جعفر و متوجه بمیدم میشود تا مقارن مغرب بعد می فرماید بد هید بخورم استکان چائی مسموم را لاجرعه سر میکشد و باز دنباله راز و نیاز خود را بدرگاه خداوند جل و علا شروع میکند سه نفر قاتل نشسته و منتظر اثر سم میباشند ساعتها میکرد و اثری نمی بینند و بعلاوه سید را با کمال بشاشت و چهره باز متوجه بخالی و مشغول اذکار می یابند اینجاست پست فطرتی و نانجیبی و منی دانم چه اسمی به روی اینکار باید گذاشت که هر سه نفر در حال نماز اورا خفه می نمایند این بود سر گذشت استدعای من از مجلس و مقام ریاست این بود که از نظمی و شهربانی مرکز اسم آن دو نفر تاهینائی که همراه جهانسوزی رئیس نظمی فعلی قم بوده اند برای ذکر در تاریخ بمن بدهند و اسم آن شخص محترم و با شرفی که ابتدا باو تکلیف شده و ابا نموده است آنهم لازم است که بدانم

قابل توجه

از آقایانی که مقاله و یا شعر برای درج در روزنامه آذربایجان بداره می فرستند تمنی میشود که مقاله و یا شعر خود را امضا نموده و اسم و نام خانوادگی خود را بطور روشن بنویسند و در صورتی که امضا نداشته باشد در روزنامه درج نخواهد شد آذربایجان

ایتموقع نسبت بتسریع حمل و نقل پستها توجهات بیشتر و موثری مینول دارند بقرار معلوم دستور داده اند که عجلاتا هفته دوپست بین تبریز - تهران مبادله شود (تا سوم شهریور ماه هفته چهار پست بود) اینک با توجه باین موضوع اقدامات لازم را از اولیای امور صلاحیت دار انتظار داریم.

قلب گداه پرداری

البته خوانندگان گرامی کم و بیش از اوضاع نخ که از یک مال باین طرف در تبریز پیش آمده آگاهی دارند که در در اثر گرانفروشی و اجحافات کارخانجات زینسندگی که از اندازه گذشته بود بواسطه شکایات مصرف کنندگان نخ بمقامات مربوطه وزارت پیشه و هنر دخالت نمود (اگر دخالت نمیکرد بهتر بود) در نتیجه پس از تشکیل کمیته های زیاد برای ارقم نخ از طرف وزارت پیشه و هنر نرخ تعیین گردید (اگر تعیین نشده بود بهتر بود) باین معنی شرکت ینبه که انحصاری بود ینبه را از زارع بیچاره باز نور و تهدید بقیمت های نازل خرید و پس از اضافه کردن نفی بر آن بقیمت معینه بکارخانجات زینسندگی میداد (هر تن هفت هزار ریال) و اکنون هم میگذرد و از روی همین قیمت برای نخ صدی بازده منفعت منظور شد و در تاریخ ۲۰/۳/۱۲ اعلان آن در هغه کشور نشر گردید (اگر نشر نشده بود بهتر بود) لدا کارخانجات نخ زینسی بمنفعت صدی بازده راضی نشده از فروش نخ خودداری کردند و چندین باز از طرف مصرف کنندگان نخ بمقامات مربوطه کشا و تلنگرافا تظلم گردید بر اثر این تظلمات از تهران با دازه بیشه و هنر تبریز محول گردید که توسط اداره نامزده از گرانفروشی نخ جلوگیری بعمل آید در واقع گله را بگردد سپردند

خوانندگان محترم آقای جلالی رئیس پیشه و هنر تبریز را می شناسند که از این راه و راههای دیگری چه ثروت های هنگفتی بدست آورده و بطهران انتقال داده و خودش هم رفت خوانندگان بمقاله که در شماره دوم روزنامه شاهین در باره او نوشته شده است مراجعه نمایند

در این وقت آقای جلالی با آقای کلکته چی که مدیر کارخانه زینسندگی آذربایجان است دست بهم داده قیمت نخ را که پیش از تعیین نرخ دولت هر عمل ۱۲۰۰ ریال فروخته میشد به ۲۴۰۰ ریال بالا بردند و مصرف کنندگان نخ و مدیر کارخانجات جوراب بافی و بارچه بافی و غیره هر چه به آقای جلالی تظلم کردیم ترتیب اثر ندادند و اعراض و مکتوبات ما را مسکوت گذاشتند چونکه از طرف مصرف کنندگان بایشان چیزی عاید نمی شد ولی آقای کلکته چی بآدان منافع چند عدل نخ رضایت اورا جلب میسکرد بالاخره باندازه از کلکته چی طرفداری نمود که روزی در کمیسیون پیشه و هنر در حضور بیست نفر از نمایندگان ادارات و بائندگان گفت که (من کارخانه کلکته چی را نمی توانم فدای شما بکنم شما بروید از جای دیگر نخ بدست آورید) تا کار بجائی رسید که برای وارد کنندگان نخ از شهرستانها اشکالات و محظوراتی پیش آوردند و برای نایابی

مسابقه اجتماعی

مقایسه بین انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب سال ۱۳۲۴ مشروطه ایران با ذکر مطالب زیر:

- ۱ - علل ایجاد انقلاب در فرانسه و ایران
- ۲ - کدام يك از انقلاب فرانسه و ایران انقلاب اجتماعی و فکری بوده است؟
- ۳ - اثرات انقلاب در فرانسه و ایران

مقالات راجع باین موضوع از تبریز تا یکماه و از اطراف تا چهل روز قبول خواهد شد

سه مقاله از مقالات وارده از تبریز که حقیقتاً قابل توجه باشد اشکالات و جوایز آن بکشتال آذربایجان مجای روزنامه آذربایجان است و از مقالات وارده از اطراف نیز پنج مقاله انتخاب و پنج جایزه بترتیب بام برای آنها تعیین خواهد شد

وارده

اداره محترم روزنامه آذربایجان نظر بر اینکه مرام و مقصود جمعیت و نامه آذربایجان یافتن دره های جامعه و چاره جوئی بدانها است لذا اینجانبان نیز در دهائی داریم که میخواهیم گفته و چاره برای رفع آنها پیدا کنیم در صورتیکه آن نامه قبول نماید نظریات خود را بنویسیم

البته نظر بر اینکه افراد طبقات جامعه بهتر دقیق تر میشوند مغایب صنفی و موافقی را که بز پیشرفت و اصلاح حرفه و کار خود می بینند درک نمایند لذا دفتر روزنامه آذربایجان برای هر گونه مراسلات و حتی اظهاراتیکه از طرف طبقات ملت میرسد باز بوده و درج خواهد نمود

وقت میگذرد

مدرسه اسدی که سابقا در کلسای آرامنه جا داشت در اول سال شاگردان را جمع کردند ولی تقریباً يك ماه است که در را بسته شاگردان را سرگردان گذاشته اند و دفتر این مدرسه در کجاست معلوم نیست بنده بداره فرمیک مراجعه نمودم گفتند صبر کنید اگر عمارت لایق در آن نزدیکی باشد مدرسه وا خواهد شد والا هرافرادى را که در مدرسه می خوانند باید بدمرسه دیگری منتقم نمود صبر و حوصله هر چند که خوب است ولی وقت میگذرد

والدین مختار اسماعیلی نخ وسائل متعددی فراهم کردند که هیچکس بوارد کردن نخ قادر نگردد مثل اجناس قاچاقی منگرفتند و توقیف میگردند و پول گرفته رها مینمودند مانده دارد

درد بیدرمان !

کاسبلوق بیر یانار اود دور دوشبدر جانہ اوویلا
 منی محتاج ایدوبدور بیر متل یورقانه اوویلا
 کاسبلوقدان اوزم قاره کومرتک ایوده یوق خاکه
 دوچار اولدوخ بو نیل بیر درد بیدرمانہ اوویلا
 اوشاقلار لات و عریان هربری برگوشده گریان
 نه چاره ایلو یوم من بر سوری عریانہ اوویلا
 تصور قیل سو بوق ایو کرسوسیز اودسوز نه عالمدر
 نه ایو مد نظرده یعنی یخچل خانه اوویلا
 بویاندان عورت تفریته مزاجی تند چوخ چرکین
 اوزی بد عور بايقوش تک یری ویرانه اوویلا
 نه نم بیر یازا زفلدار زارلدار اسکرور پیسدر
 دهم وای ناله سی ییزدن گدر کیوانہ اوویلا
 چوبوقدان ال چکر حاشا ته دلدن ورار قلاب
 دولاز دود چوبوقدان سر بسر کاشانه اوویلا
 بو ایوده روزگارمدور اشکدن شمه عرض ایدسم
 اشدسه حالی هر کس گلور افغانہ اوویلا
 قوا تحلیله گیتدی دیشی توکلدی شغل دیوانده
 آقار دی سقلم دوندی بلیم چو گانه اوویلا
 گوزوم یاشی آخار بی قوه لوقدان متصل گوزدن
 دماغیم نساتوان لوقدان دونوب نودانه اوویلا
 نه فوقل واردی نه عینک نه پالتو نه عصا الهه
 چخام منده خیابانه گلم جولانه اوویلا
 سعایتدن ریاستده اوزوم یوخدور سوزوم کچمر
 گرک تقزین ایدم شام و سحر شیطانہ اوویلا
 مقامده ترقی یوخ مواج خرجمی گورمز
 منیم تک طاهی بد گلمیوب دنیا یسه اوویلا
 بو فتنده بوش یماقدان بوشلارم چاندار اینانازسوز
 کلمله پر کویکی سو صدمه ایلر جانہ اوویلا
 خلاصه بو مداری من دینوم احبابه بلدوردم
 اولور کیم چاره ایدس نلر غم پنھانه اوویلا
 یئتدوم هر کسه گوردوم او مندنده پریشان دور
 اودور بو مملکتده دوندی باغرم قانه اوویلا
 گلوب دستورمر کزدن دو گل تهرانده ایش چوخدور
 بو یور بیر باخ منه ، برده گلن فرمانہ اوویلا
 حقوقم غیر مکفی والدم ناخوش اوزوم ناخوش
 اولارکی من گیدم بو وضعیله طهرانہ اوویلا؟
 حقوقم گر اول دویلی منی گورمز آغام جانی
 اوقدری قالموشام آج اوخشامام انسانہ اوویلا
 منی اولدورسه هر کس اوللام آسوده بوزحمتدن
 حقیقت در سوزوم بباله دگل افسانہ اوویلا
 قلندر

شاهین زبان حالی !

گورنه ایرانی یخوب ظلمیله ویران ایلدیم
 ملتین تنگه قویوب بی سر و سامان ایلدیم
 سواشوب جانته بیچاره لرون زالو کیمی
 قوخمادیم قانلارینی حرصله سوردوم سو کیمی
 دام صیاده دوشن چاره سی یوخ آهو کیمی
 وار بوخین الدن آلوب باغریلارین قان ایلدیم
 گورنه ایرانی یخوب ظلمیله ویران ایلدیم
 رتبه سین عرشه چخاتدیم نه قدر ظالم وار
 اولدروب حبسه سالوب هارداکه بر عالم وار
 ظلمی من چون سورم باخ نه عجب حال وار
 اودی (مستوفی) نی من والی استان ایلدیم
 گورنه ایرانی یخوب ظلمیله ویران ایلدیم
 کهنه مستوفی نی من والی تبریز ایتدیم
 قوجه عاجز لری سن گورنجه خونریز ایتدیم
 گوندروب تبریزه خر تبریزی خرخیز ایتدیم
 بوغدا سین الدن آلوب آریایا مهمان ایلدیم
 گورنه ایرانی یخوب ظلمیله ویران ایلدیم
 خلقون املاکنی زور یسه الدن آلدیم
 ایسدیوب آغزین آچا قویوب حبسه سالدیم
 بسوقدر ثروتله دوییبون آج قالدیم
 وردیم آلچاقلارا ایش سفله نی من خان ایلدیم
 گورنه ایرانی یخوب ظلمیله ویران ایلدیم
 تاجرون مالنه هر نه اول ایتدیم شرکت
 نفعی من آباروب قالدی اونا تک زحمت
 بره اون چکدیم او مال اوستنه قویبوم قیمت
 یازیقیم گندی هله ملتہ ارزات ایلدیم
 گورنه ایرانی یخوب ظلمیله ویران ایلدیم
 مالیاته بره اون یدی آلوب ملتدن
 چوخنی مفلس اولوب اولدوردی اوزین غیرتدن
 قلوب آج اهل و عیالی چکوب ال عصمتدن
 بر بیوک توده نی من بیله بریشان ایلدیم
 گورنه ایرانی یخوب ظلمیله ویران ایلدیم
 « هوش سیز ! »

یه آقایانی که

- مقاله یا شهر بر روزنامه میفرستند
- آقای مجید - مقاله شما در شماره بعد درج خواهد شد
- بانوراضیه فخری - مقاله شما در شماره بعد درج خواهد شد
- آقای م - س - مقاله شما چون امضا نداشت درج نگردید
- آقای علی اکبر احمدی پور - مقاله شما بجهت مناسب نبودن درج نگردید
- آقای م - ر - مقاله شما چون امضا نداشت درج نگردید
- صاحب مکتوبی که اشعار (قندشکر آل سات) را تقریظ کرده بود بجهت بی امضا بودن درج نشد
- آقای طلوعیان مقاله شما بجهت مفصل بودن درج نگردید

دفتر آذربایجان

تشکر و اعتراف

از دوستان معظمه و ذوات محترمی که بمناسبت فوت جوان ناکام سیدعلی طلوعی خلبان نیروی هوایی در اهواز با حضور خود در مجلس سوگواری اظهار همدردی و تسلیت فرموده اند - سپاسگزار بوده و اگر تاخیری در بازدید روی دهد نهایت درجه اعتراف مینمائیم.
 حاج سید یوسف طلوعی - سید باقر طلوعی - سید مهدی طلوعی

قدر دانی

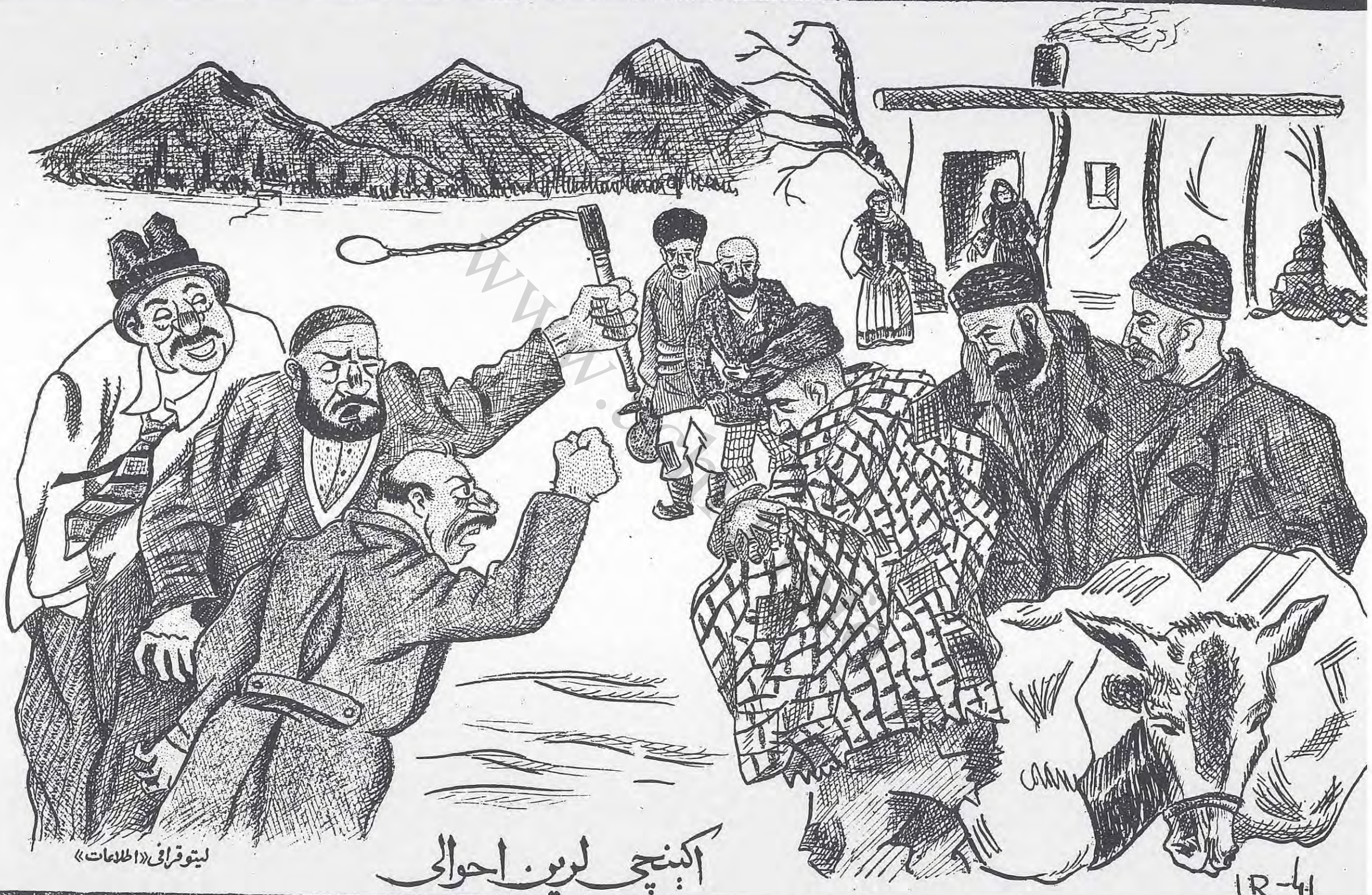
اداره محترم نامه آذربایجان - در شماره اول آن نامه شرحی راجع بتوزیع قند و شیرینی و پیشنهادی که جمعیت آذر بایجان نموده بودند نوشته شده بود اینجانب که یکی از افراد ملت بوده و به اصلاح جامعه علاقه مند میباشم پیشنهاد جمعیت آذربایجان را برای توزیع قند و رفع اغتشاشات و هیاهویی که در توزیع آن بوجود میآید خیلی مفید میدانم و بدین وسیله از جمعیت و نامه آذربایجان در نوبه خود تشکر و قدردانی نموده و از نامه مزبور تقاضا مینمایم که در عملی شدن آن نیز سعی لازم را بفرمایند .
 ک - ر

حقیقتی اولان کوچک حکایر

آزادلیق یولوندا

چونکه خلق خزینه آدی ایشیدن کبی حمامه هجوم گتیروب خزینه ده چوخلی باشلار اوناماقدا ایدی ! حاجی ده باشین او باشلاره قاتدی . اما حاجی رضا آقا بر اوزون مدت خزینه اوزی گورمه دی - گیندن سونوب خزینه دن چخماق ایستمدی بر طرفدن ده خزینه نین قاپوسی چوخ کوچک اولوب سوین بخاری خزینه نین فضا سنده یغشمدی و حاجی سویندیقندن بونلارین هیچ بریسه باخیموردی . تاسف اولسون که حاجی رضانون بو دفعه کی استحمای اونا چوخ باهایه اوتوردی . آخرده سوین بخاری اونوی دوتوب خزینه ده بوغدلدی و بوتربیله اودا آزادلیق یولندا جانین تسلیم ایتدی ! !

آلد یغمز خیره گوره اماله بازار حامینده براتفاق دوشمشدر که آتیدکی وجهله قارنلریزه شرح و بربروخ : نچه گون بوندن قبات تبریز تاجر - لریندن بری حاجی رضا آقا جایچی یویونناق قصدیله اماله بازار حامینه گیدیر چون سابق حکومتین دوشدیکندن صورنا حامین صاحبی آزادلیقندن استفاده ایلیوب ثواب قازانماق فکريله خزینه نین قاپوسین آچمشدی . حاجی رضا آقا بوندان خبر - دار اولوب جوانلیق دوره لرین یادینه سالوب خزینه نوباری ایتمک ایستدی و چوق عشقیله خزینه وارد اولدی . اما خزینه ده بر اوزگه عالم گوردی :



لینوقرانی «اطلاعات»

آکینچی لرین احوالی

اَذْرَبَايْجَان

۱ شنبه ۱۸ آبان ماه

(ناشر افکار جمعیت آذربایجان)

شماره ۳ سال ۱۳۲۰

اداره در حرك و اصلاح
و درج مقالات وارده
آزاد و مختار است
وجه آبونمان :
سالیانه ۸۰ ریال
ششماهه ۵۰ ریال
عجالتاً هفتدوبار منتشر میشود

مدیر : ع. شبستری
سر دبیر : ا. شمس
عنوان تلگرافی
نامه آذربایجان
جای اداره : خیابان تویخانه
روبروی بازار (موقتاً)

بهاء اعلانات : صفحه ۲-۲ ریال صفحه ۳-۳ ریال

بهاء تك شماره : ۵۰ دینار بعد از یکروز یکریال

روزنامه آذربایجان اولین روزنامه ایست که از طرف يك جمعیت و برای رساندن مرام و منظور او بجامعه در آذربایجان منتشر میشود
روزنامه آذربایجان سعی دارد : اوضاع اجتماعی گذشته و حال را تشریح کرده - علل اصلی مفاسد اقتصادی و اخلاقی جامعه را تشخیص
داده - و مرحله سوم راه چاره عملی برای رفع فشارهای اقتصادی و اصلاح مفاسد اخلاقی جامعه پیدا کند.

انتخابات

نظر بر اینکه پاره از آقایان نظریه
مارا راجع بانخابات جدید خواسته اند
لذا مانیز قبلاً مقدمه ای راجع به مرام
و مقصود خود نگاشته و بعداً عقیده خود
را نسبت بانخابات شرح میدهم :
واضح و مسلم است که هر جمعیت
و هر روزنامه و بطور کلی هر موسسه ای
که تشکیل میشود باید مرام و مقصودی
درپیش داشته و هیچوقت از طریق که
بسوی آن مرام میرود منحرف نگردد
و مادامیکه این غایب پیدا نشده و گفتار
و رفتار موافق اصول صحیح و محکمی
نباشد آن جمعیت ، روزنامه و موسسه
دیر یا زود محکوم به فنا بوده و از بین
خواهد رفت .

چنانکه ما در طلیعه و دوشماره قبل
بسمع هموطنان خود رسانده ایم جمعیت
و روزنامه ما مرام و مقصودی برای خود
تعیین کرده و آنرا قدم قدم تعقیب نموده
و هیچگاه از آن منحرف نخواهد شد .
خلاصه مرام ما این است که بقدر امکان
در اصلاح خرابکاریها و مفاسد اجتماعی
کوشیده مردم این سرزمین را بحقوق
حقه خویش و باصول آزادی آشنا نماییم
تا در چنین موقعی که در اثر حکومت
غلط و خیانتکار دوره پیشین شیرازه
کارها از هر حیث گسیخته و ملت بیچاره
حیران و سرگردان ، بی چاره و پناهی
میکردند مانیز پیش وجدان خود خجل
نشده و با پیشانی گشاده بگوئیم که بوظیفه
ملی و اخلاقی خود عمل مینمائیم و سعی
داریم حتی الامکان درمان این درد را
پیدا کرده آنرا با افراد ملت خود بنمائیم .
ممکن است پاره اشخاص از روی
اشتباه و یا غرض این فداکاریهای مارا
براه دیگری تعبیر نمایند ما آن اشخاص
را مخاطب قرار داده میگوئیم که آنان
بما و به هموطنان ما ظلم می کنند و
خائن ملت محسوب میشوند چه ما از
آن اشخاص نیستیم که مردم را با کلمات
آزادی و ملت گول زده بدین طریق

بصیرت بازان رشید ما

نظر هموطنان عزیز خود را باین
موضوع جلب مینمائیم :
از آنجائیکه یکی از مقاصد ما
انتقاد از اوضاع اجتماعی گذشته میباشد
لذا (کاریکاتور) و اشعاریکه در شماره
امروز چاپ شده باین لحاظ میباشد و
در شماره های بعد مقاله های مفصلی
راجع به سربازان رشید این سر زمین
نگاشته و یکستون روزنامه خود را برای
این موضوع مخصوص خواهیم نمود .

جمع مال کنیم و از آنهایی نیستیم که
خود را آلت قرار داده و جسدان و کار
خود را بنفع دیگران بفروشیم . ما غیر
از راستی و درستی اسلحه دیگری در
دست نداریم و در هر چیز که میگوئیم و
می نویسیم همیشه صلاح ملت و وطن
خود را در نظر میگیریم و با صدای بلند
می گوئیم رو سیاه پاد کسی که وطن
و ملت را وسیله اغراض شخصی خود
قرار داده مخالف آنچه که میگوید
عمل نماید .

ما نظر برادران خود را باین نکته
جلب می نمائیم که این اشخاص میخواهند
جدائی و نفاق بین ملت انداخته و از آب
گل آلود استفاده نمایند . هان بیدار
شوید و تابع احساسات نشده همیشه عقل را
راهنمای خود قرار بدهید و اتحاد و
یگانگی را غنیمت شمارید که سعادت
شما در اتحاد است و خواری و بدبختی
شما در نفاق .

هموطنان ما البته سرمقاله شماره
دوم روزنامه ما را خوانده و از مفهوم
آن تا حال مطلع گشته اند حال ما همان
مقاله را تعقیب نموده میگوئیم که
اعتراض ما باصول انتخابات بوده است
نه باشخاص . چه انتخابات وقتی صحیح
بوده و منتخبین وقتی و کلاء ملت محسوب
میشوند که اصول انتخابات مطابق اصولی
که حکومت دموکراسی و مشروطه آن
را معین نموده است بعمل آید و در
صورتیکه مخالف آن باشد انتخابات

انقلاب فکری لازم است

تاریخ شاهد است که آنوقت مامت
حقیقتاً معنی آزادی و حکومت مشروطه
را چنانچه شاید درک ننموده و هر کدام
از افراد آن مطابق عقل و فکر خود
آنها تفسیر مینمودند : مثلاً پاره تصور
میکردند که حکومت مشروطه آنستکه
دولت قیمت ناترا تنزل دهد و پاره دیگر
آنها تقلیل مالیات تعبیر مینمودند و برخی
خیال میکردند آزادی عبارت از اینست
که عنان هجو گوئی را رها کرده هر کسی
را که کسی با او بی اعتنائی کرده بود و
یا سابقه عداوتی با او داشت هجونمایند .
البته ما نمیخواهیم آزادیخواهان
و پیشوایان انقلاب مشروطه را تنقید
نمائیم . آنان در زمان خود از اشخاص
منور الفکر و مقدس رده و در چنان
دوره توانسته اند افلا تکانی بجامعه داده
اسم حکومت استبداد را بحکومت مشروطه
تبدیل کرده و لو در روی کاغذ باشد
حقوقی برای ملت قائل شوند . ولی
چنانکه گفته شد چون مامت این سرزمین
در تمام ادوار تاریخ زیر حکومت استبدادی
و اشرافی زتدگی کرده و هنوز افکار
و روحیات ملت بافکار آزادی آشنا
نشده بود لذا نتیجه آن انقلابات آنی
بوده و نتوانست چاره درد ملت را نموده
و آنرا بر منزل حقیقی برساند .

و منتخبین اعتبار قانونی برای ملت
نخواهند داشت .
اینست که ما آشکارا عقیده خود
را بهموطنان عزیز بیان نموده میگوئیم
مادامیکه اصول انتخابات موافق اصول
مشروطه نیست اعتبار قانونی برای آن
قائل نشده و موافق صرفه و صلاح ملت
نمیدانیم و برادران خود را نیز توصیه
مینمائیم که از حقوق حق خود دفاع
نموده جز راستکاری نچوبند و بدست
خود تیشه بریشه خود نزنند تا مثل
سابق مقهور و منکوب اشخاص مغرض و
خائن نشده و بیش از این بیچاره و ذلیل نگردند

بشارت

بکلیه اهالی آذربایجان مژده می
دهیم که آقای علی اصغر سرتیب زاده
که یکی از آزادیخواهان و وطنپرستان
غیور آذربایجان است ، روز جمعه گذشته
وارد تبریز شده اند . جمعیت آذربایجان
و روزنامه آذربایجان مقدم ایشان را
به هموطنان عزیز تبریک میگوید .

ورود

آقای غفار بینش پور دبیر و
بازرس فرهنگ رشت که از جوانان پاک
و با روحیه و تحصیل کرده آذربایجان
هستند اخیراً وارد تبریز شده اند .

برای روشن شدن مطلب کافیت
که تاریخ انقلاب فرانسه و سایر انقلاب
های دول متمدن را مطالعه نموده و درست
در علل انقلاب و کیفیت آن دقیق شویم
چه مدتها بود که قبل از ایجاد انقلاب
کبیر در فرانسه انقلاب فکری شروع
شده و لرها ، مونتسکیو و ژان ژاک
روسو و سایر نویسندگان و فلاسفه آنجا
با نوشتن مقالات و بیسهای نمایش خود
می خواستند افکار ملت را از خمودت
خارج نموده روحیات و افکار آنان را
برای ایجاد انقلاب بزرگ تربیت نمایند .
برعکس قبل از انقلاب مشروطه
ایران کدام روزنامه ها و وظایف دولت
و ملت را شرح داده و از حقوق افراد
ملت سخن رانندند ؟ و کدام مدارس
وجود داشتند که اصول آزادی در آن
تدریس شده و افکار جوانان را بملیت
و دفاع از حقوق خود در مقابل تجاوزات
داخلی و خارجی آشنا نمایند و هر کس
از آزادی و حقوق ملت اسبی میرد یا غی
بونده و حرفهای او مخالف سیاست دولتی
محسوب شده و محکوم باعدام میگردد .
البته معلوم است که با این حال
انقلاب حقیقی در ایران بوجود نیامده
و تنها در نتیجه پاره تحریکات و سیاه تهاست
که نهضت های سطحی و بی اساس در ایران
ایجاد گردید .
ناتمام

مستحق دلسوزی و دلداری
وقدر دانی نیستند؟

خشک و تری که داشتم ازمن برفت نیست در دست من بغیر لب خشک و چشم تر بدون شک هر کسی کوچک ترین حس ترحم داشته و ذره ای از رحم و شفقت در قلب او موجود باشد با کمینه دلشکسته و داغ دیده همعقیده و همداستان شده از ته دل فریاد کشیده خواهد گفت آنهایکه شهید راه وطن شده جان شیرین هستی و تمام دارائیت خود را از دست داده اند مستحق دلسوزی و دلداری و قدردانی هستند . چه برادر ناکام و جوان ۲۵ ساله من ستم دیده و داغ کشیده ستوان ۲ امنیه مهدی فخری که بایک حس میهن پرستانه و آنهمه فداکاری و درستکاری و عاطفه با مردم که دوست و دشمن از اخلاق و رفتارش رضایت کاملی داشتند در نتیجه لاقیدی روسای مافوق . . . و . . . در اولین روز پیش آمد اخیر در پاسگاه امنیه قصبه کلپیر بادو تن از زبردستان خود بوسیله بمب جان سپرد کمینه که کمر خدمت در راه آسایش برادر فداکار خود بسته بودم پس از مرگ آن جوان ناکام حیران و سرگردان ماندم ولی حاج محمد آقا نام کلپیری بالهای حمایت خود را باز کرده و تا آمدن پدرم از تبریز از بدل هیچگونه فداکاری دریغ نداشت در صورتیکه اهالی کلپیر برعکس علی رغم مهربانی و محبت هائیکه آن مرحوم در حق آنان کرده بود دست تطاول و غارت گشوده تمام دارائی حتی زیور آلات کمینه را که متجاوز از چهل هزار ریال بود به یغما بردند در نتیجه این حادثه است که کمینه و یک خانواده ده نفری پریشان و مستامل گردید و حاصل زحمات چندین ساله پدر بدبخت و داغ دیده ام که با حقوق غیرمکفی سالهاست در اداره فرهنگ مشغول انجام وظیفه میباشد بر باد فنا رفت و حالا یک خانواده ده نفری در گوشه خانه محقری که بجز چند پارچه کلیم کهنه و حمیر پاره چیز دیگری وجود ندارد بادل ریش و افسرده امرار حیات مینماید (چه حیات؟)

این است که از اولیای امور و از اداره امنیه و آنانیکه بفکر اصلاح جامعه و رفع بدبختی های ملت است تقاضا دارم بیاس فداکاری آنجوان در سر وظیفه خود ترحم و عطف توجه نموده طبق مفاد قانون استخدام افراد این خانواده را آسوده و مرفه الحال نمایند که برای سایرین هم اسباب تشویق فراهم گردد .
راضیه فخری

مدیر محترم روزنامه آذربایجان
آسرا تحمل امثال ما به باید کرد
که هیچکس نزد برد درخت بی بر سنک
چون در اولین شماره آن روزنامه
شرحی راجع بفرار آقایان تبریزی درج شده بود مرا بر آن داشت که این چند سطر را راجع به همقطاران امنیه چی ترسو خودمان نوشته و بعرض برسانم چنانچه شایسته و سزاوار بود بدرجش مبادرت ورزند .

بطوریکه همه میدانیم هنوز ۲۴ ساعت از اوضاع مغشوش ۳ شهریور نبی گذشت که آقایان افسران امنیه که در زمان صلح برق چکمه و مهمیزشان چشم هر بیننده را خیره میساخت با اتومبیل های سواری خود یا اولین وسیله نقلیه دیگر که آن روزها برای فلک هم میسر نبود تهیه کرده با اثاثیه قیمتی خود به سمت تهران روان شدند خلاصه در آن لحظه هائیکه هنوز هزاران پیرزن و پیرمرد در کوچه و خیابان های تبریز در رفت و آمد بودند این آقایان ترسو عقب **لوله هتگی** می گشتند که خود را در آن مخفی سازند ما افراد و گروه بانان امنیه که تا آخرین دقیقه در مرکز هنگ و گردان سرگردان بودیم به راهنمایی یکی از افسران جوان که گویا حس وطن پرستی و زبردست پروریش بیش از آنها بود بنام فاطمی اداره را تخلیه و گرسنه وی پول بسمت خانه های خود رقتیم .

آیا خون ابن آقایان فراری که در زمان صاحب کوس دلآوری آنها گوش همه را کرمیکرد و کسیرا یارای برابری و دم زدن در برابر آنها نبود از خون ما رنگین تر بود؟

آیا مسئولیت ریختن خون ۴۹ نفر امنیه بدبخت و ستوان مجتهدی که جهت تامین راه فرار خود بکوه های اطراف میانج فرستاده بودند بگردن این آقایان نیست؟

بهر حال گذشته ها گذشته - جای تاسف است این آقایان که لذت ریاست در آذربایجان خوش آب هوای هنوز در زیر دندان دارند اینک که آنها از آسیاب ریخته ، یک یک بمحل های اولیه مراجعت کرده و هنر نمایشهای زمان فرار خود را فراموش نموده اند . بدین منظور از آن اداره محترم تقاضا مند است برای اینکه ما بتوانیم در آتیه زبردست این قبیل افسران مشغول کار شویم و برای نمونه ، اسامی چند نفر از این آقایان را با اسم گاو پیشانی سفید در آن روزنامه آزادی درج فرمایند تا اندکی از تکبر خود بکاهند:

۱ - سروان میر شکرانی ۲ - سروان رفعت جباه ۳ - ستوان ۱ فخرائی ۴ - ستوان ۱ ظهیری ۵ - ستوان ۱ جوادی ۶ - ستوان ۳ برومند .
از طرف قبا آبی ۲۰ ر

قلب و گلاهِ برداری

- ۲ -

حالا راهی که آقای کلکته چی در فروش نخ پیش گرفته این بود و حالا هم اینطور است نخ شماره ده که هر عدل ۱۳۰۰ ریال نرخ دولت بود با دست چندین نفر از دلالها که شریک دزد بودند و حالا هم هستند بقیمت ۲۴۵۰ ریال فروخته شد و سند فروش آنرا از قرار هر عدل ۱۳۰۰ ریال صادر کرده از خریدار امضاء می گرفتند و ۱۱۵۰ ریال مابه التفاوت آنرا توسط دلالها تقدا می گرفتند و پس از آن نخ را بخریدار تحویل میدادند و هرگاه از طرف استانداری و دیگران تعقیب می کردند همین سند فروش را که بنرخ معینه نوشته شده بود ارائه می دادند و چنین وانمود می کردند که بنرخ معینه می فروشدند باینکه این قلب و گلاهِ برداری برای همه روشنتر از آفتاب بود از طرف زمامداران مورد تعقیب واقع نمی گردید برای اینکه آقایان هم از این راه عایدی داشتند بالاخره هر جا که امید میرفت تظلم کردیم کسی پیدا نشد که به حرفهای ما گوش دهد و بجهت اینکه در باره نخ بدربار پهلوی تلگراف کرده بودیم دوتن از بافندگان آبرومند تبریز را که آقایان حاجی میرودود مدیر کارخانه شایان و آقای علی ماشین چی مدیر کارخانه بافندگی شمس را یکروز در اداره شهربانی توقیف کردند و تهدید نمودند که بعد از این تکرار نشود .

چون جوراب و پارچه و هولی و دیگر محصولات بافندگی برای تهران و دیگر شهرستانها از تبریز صادر میشد بواسطه گرانی نخ قیمت آنها گرانتر از جاهای دیگر تمام شد و برای صادر کردن اجناس نامبرده وقفه حاصل گردیده لذا کارخانجات بافندگی تبریز متدرجا تعطیل کردند تا بواسطه پیش آمد اخیر که تغییراتی در اوضاع کشور روی داد کارخانجات بافندگی بکلی تعطیل کردند تقریباً بیست هزار نفر کارگر در کوچه ها و بازارها و خیابانها ریخته گرسنه و عریان مانده اند و معلوم است که یک قسمت باعث ناامنی و ناراحتی مردم تبریز نتیجه این بیکاری ها میباشد .

یکماه پیش که در اداره اقتصاد تبریز مقدار بیست تن پنبه موجود بود آقای کلکته چی حضور آقای استاندار رفته و تقاضا کرده که پنبه های موجودی را بایشان بفروشند تا کارخانه ریسندهی را بکار انداخته و کارگر های کارخانه

اصحیح

ما در شماره اول روزنامه خود در ضمن اخبار شهری و ورود سرکار سرهنک غلامعینی ملک الکتابی را اطلاع داده بودیم چون کلمات ذیل اشتباهی برده و غلط است تمنای تصحیح داریم :

- ۱- نام خانوادگی سرکار سرهنک ملک الکتابی نبوده باستی میباشد .
- ۲- ایشان تنها رئیس امنیه استان نبوده و رئیس امنیه ۳ و ۴ میباشد .

اخطار

از قراریکه شتیده میشود بعضی از روزنامه فروشها روزنامه را بیش از مبلغیکه معین شده میفروشند لذا با اطلاع عموم میرساند که قیمت روزنامه آذربایجان در روز انتشار ۵۰ دینار و بعد از یکروز یکریال میباشد . از هموطنان عزیز تمنی میشود که بیش از آن مبلغ خریداری ننموده و در صورتی که مشاهده نمایند که کسی بیش از قیمت معینه روزنامه را میفروشد فوراً با اداره روزنامه اطلاع دهند .

بیکار نباشند آقای استاندار با رعایت حال بیکاران پنبه های نامبرده را بقیمت سابق هر تن هفت هزار ریال در مقابل فته طلب سی و یکروزه بایشان فروخته اند و ضمناً آقای کلکته چی تعهد کرده اند که محصول همین پنبه را بنرخ معین بامصرف کنندگان بفروشند و اکنون که محصول این پنبه ها بدست آمده از فروش آن خودداری میکنند و باز هم مثل سابق سند فروش را بنرخ معین صادر میکنند و مابه التفاوت آنرا تقدا دریافت می نمایند . خوانندگان محترم انصاف کنند در این موقع که وضعی شهر دیگرگون شده و سه ثلث مردم شهر قابل ترحم و دستگیری میباشد و لازم است که تجار و ثروتمندان شهر از ینوایان دستگیری نمایند آقای کلکته چی با در نظر گرفتن منافع شخصی و سایل گرسنگی مردم را فراهم میآورند و علاوه از این بسر دولت و مالیه کشور کلاه میگذارند باین معنی از روی همین دفاتر ساختگی مالیات پرداخت می نمایند و مابه التفاوت های نخ را در میان شرکاء بطور غیر مستقیم تقسیم می کنند .

در خانه از آقای استاندار که علاقه مند باسایش و امنیت مردم آذربایجان هستند تقاضا مینمائیم که وسایلی را بکار کردن ما را فراهم بیاورند .
جمعی از بافندگان

حقیقتی اولان کوچک حکایار

جن خاصیتی

بر نفر بزیم یاخین رفیق اریمزدن
بری بو حکایه نی نقل ایدوب اونون درخنی
بزدن خواهش ایدوبدر .
حکایه بودر که رفیقیمیزین دیلندن
یاژیروخ :

ایکی گون بوندان قباق قند آلماق
فکريله سجلیمی گوتوروب محله مزده
که قند شعبه سینه گیتدم . یولدا قند ارا به
لرینین شعبه به طرف کیتدی کلرین گوروب
بو قورخودان که ایندی محله اهلی شعبه به
قند گلمکینی ایشدوب هاموسی بردن
شعبه به هجوم کتیره جاقلار اوندا گرک
باشیمیدا قند یولوندا قویام عجله ایله
شعبه به قاجدیم اما مسئله نی اوز که جور
گوردیم : شعبه به داخل اولوب قندین
گلدیگنی سوروشدم ؟ دکانچی قندین
اولاماقینی دیدی تعجب ایتدیم بو فکریله
که ممکندر قند ارا به سی اوز که شعبه به
آپاروبدور . اوبری شعبه به یانا شدیم .
اوراین قباقیندا چوخلی جماعت اولدیقدان
آداملری آرابوب اوزیمه جزئت و یوروب
بسم اله دیوب دکانه وارد اولدیم قندین
اداره ده اولما دیقنی ایشتدیم چوخلی
تعجب ایتدیم !

بوایشین علتنی دوشوندیم دیه سن قلمبه الهام
اولدی : بردن یادیمه دوشدی که
اولنجی شعبه به وارد اولاندا اونون
قا یوسندا بر نال پارچه سی گورمشدیم
ایکنجی ده ده من بولمیوب دکانه و نرد
اولاندا بسم اله دیدیم بوندان بینه دوشوندم
که گرک بو تازه لقدا قند جن خاصیتی
تابش اولسون اودر که اولینجی دکاندا
دمیردن قورخوب و ایکنجی دکاندا منیم
بسم اله دیمکیمدن اورکوب قاچوبدر .

یز قند سانا نلره توصیه ایدیریز
که دکانلرینده دمیراسباب ساخلاماسونلر
تا ایشکدن گلن قند دمیرو گوروب قاچماسون
برده دکانلرینده کی دلیک دیشکری ده
دوتسونلار تا مشتریلردن بسم اله دینده
دیشکریه گیروب گنزلتسونلر !

آذربایجان

کنارندن گلن تورکی ستانه

آزادلقین گوزل میوه سی

اوتوزبش نیل بوندان ایره لی آزاد-
لقین حیات بخش نسیمی ایران اولکه سینده
اسمگه باشلادی . نجه که بهار بلی باغلارین
و جمنترین یاتمش گل و گیاهن آیلدار
بو زوچیرور نسیمده ایرانن یاتمش
ملتنی آیتدی وموقتی حالده اونا آزادلق
و عدالت روحینی تلقین ایلدی . هیچ
وقت یاددان چنماز که او دوره ده
دوغرودان آزادلقا ومشروطیته ایمانلی
کشیلر واریدی که حاضریندرلر ماللارین
وجانلارین آزادلق بولوندا فدا ایله -
سونلر و ادعالرین جوانمردلقنن عالمه
ثابت ایلدی .
او گوزل دوره ده قلمده آزادلقا
نایل اولدی و ایله بو تبریز ییزده نجه
دانه روزنامه نشر اولونوردی که منتین
افزاینه اخلاق درسی و دولتین عملینه
اوز تکلیفلرین آنلادیردی . او دوره ده
داهی اخیر زمانده اولان فشاردان اثر
بوخودی . آزاد قلم لر سنما شدی و
قلم صاحب لرینین اللری زنجیره چکینمه -
میشدی . او وقتلرده ایکی میلیوندان
آرتق آذربایجانلی ، ایستین موقعه ایله
بیلردیلر آنا دیلنده یازلمش روز نامه
و کتاب اوخوسونلار . حتی مرحوم شریف
زاده نین تورکی الفبای مدرسه لرد
تدزیس اولونوردی . بو امر هیچوقت
آذربایجانلی لارین ملی احساساتلارنا
صدمه تیرمیردی . اوگونلرده بیزه تحقیر
ایله تورک دین بوخیدی وهامی بیزیری
ایرانلی حساب ایلردی :

خلاصه اودوره ده بیر فکاهی روز-
نامه همین تبریزده نشر اولونوردی که آدی
(حشرات الارض) ایدی . بوروزنامه اوزمانن
حقایقین مزاح وتلمیح صورتنده گوزل
و جانلی تمویر لرین گورسدوب و بو-
یولونان ملته اخلاق و اجتماعی درس لر
وربردی . سون سوز بالاخصاص بیر
نفره متوجه دگلدی ودوغرودان اصلاح
و نوعه خدمت نظرده ایدی او ایدی
که هامی بو روزنامه به علاقه مند اولوب
و اونون نمره نری ال به ال گزیردی .

نجه گون بوندان قباخ تصادفا
امیر بازارندان گچردیم متوجه اولدوم
که بازارن بیر طرفنده ازدحام وار .
دقت ایله باخوب گوردوم بیر نفر جوانین
ایلنده بیر دسته روزنامه وار و جماعت
اونا هجوم ایلوب روزنامه آیلار .
انسان که وار دیمک اولور که بیر
آز قویون حکمنده در . اگر گورده
بولدانشاری بیر طرفه هجوم چکیر
اودا دینمز سولمنن اوزا سونلور .

پهلوی نون سلطانیه

ای جهانی سیر ایندن برجه دونوب ایرانه باخ !
پهلوی نون قلعه سین گور قدرت سلطانه باخ !

واردی هر شهر ایچره مین قلعه بونون مثلنی اینان
هر برینده مین جوهره طیاره لر گریدن اوچان
تانک لار و اوزا دورزن توپلاری وار بوخودریالات
داخل اولسان گر دیرسن لشکر دورانه باخ !
پهلوی نون قلعه سین گور قدرت سلطانه باخ !

بر طرفدن خطر بازار متصل گریدن انیر
بر طرفدن لشکرین دوزموش حسابون کیم بیلیر
گر هجومه باشلاسا صف لر صفت اوستیدن یوریر
هر برین گورسن دیرسن رستم دورانه باخ !
پهلوی نون قلعه سین گور قدرت سلطانه باخ !

اوز چوورسه هر طرفدن سویریشه قات بربر
اود یاغار هر گوشه دن مین کورن نیرات بربر
کیچ تاپاخدان گورموسن سن لشکر خاقات بربر
بوخسا جانوندان دیوبسان بر دونوب میدانه باخ !
پهلوی نون قلعه سین گور قدرت دورانه باخ !

کیم توکر بو تازه شکلون بیر گورن شالوده سین
قدرت ایستر یغماقا بو نشته نوبت آلوده سین
زحمتیله اورگیده وافوره ملت نوده سین
هر بری ایجاد ایده مین قلعه هر بر یانه باخ !
پهلوی نون قلعه سین گور قدرت سلطانه باخ !

بو سوزه کیمسه اینانماز تا اول متقل نشین
اگلشه متقل دیننده الهه بیر وافور چیت
بیر نفس ویر ساد بیر به به بو شاهه آفرین
گورنه فکریله دوزه لتمیش بونلاری شیطانه باخ !
پهلوی نون قلعه سین گور قدرت سلطانه باخ !

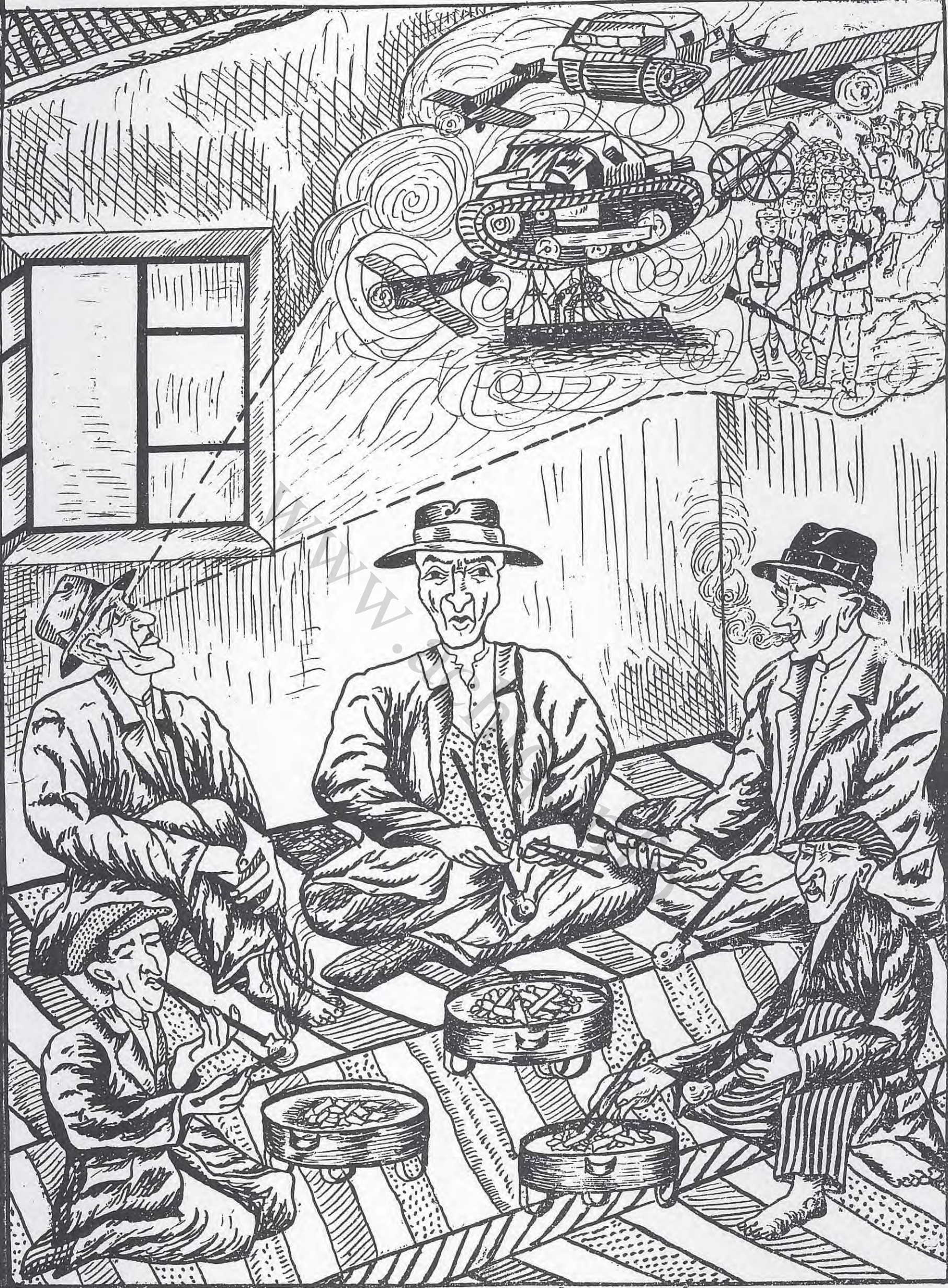
نشته وقتنده هامی دینانی تسخیر ایلینور
کائناتون قدرتین بیر پوفله تبخیر ایلینور
منقله سوق ایلماخلا فکری تنویر ایلینور
گور نه عالی فکر در بو فکر ایند انسانه باخ !
پهلوی نون قلعه سین گور قدرت سلطانه باخ !
باجاندان باخان

منده سورویه قارشیدیم . فی الجمله ال
ایلیوب جیدمن اون شاهی چنار دوب بیر
دارتی و یوروب اوزومی روزنامه چیه بتیروب
بیردانه روزنامه اله سالدیم .

اوتوز ایلدن صورا گوزوم اوز
آنادیلیمیزده یازیلان بیر مصور روزنامه به
دوشدی . اورگیمی بیر ذوق انگیریمچیان
بورودی گوزلریم یاشینان دولدی !
اوه یتیشن کیمی قامی اله آلوب
او هیجانین تاثیر آلتندا بونچه سطر
یازییه گتیردیم .

ایندی من اوز قلبی تشکراتیمی
او کشیمره تقدیم ایلم که اوز آنادیلیمیزین
اساس بولندا فداکارانن تده مرازه
تویوب عین حانده اوز ملت لرین چنمنه
چا شهور لر .

به آتایا نیکه
مقاله یا شهر روزنامه میهنه
آقای منجم زاده - مقاله شما بجه
مناسب نبودن درج نگردید . تمنی میشود
که تنها بانستاد قناعت ننموده و علل
اصلی فساد و حارة اصلاح را پیدا نماید .
آقای قبه - مقصود ما از مسابقه
اجتماعی ، ذکر علل اجتماعی و معنوی
است نه ذکر وقایع تاریخی بطور ساده
و چون شما در مقاله خودتان فقط وقایع
تاریخی را ذکر کرده اید لذا درج نشده
و توصیه میکنیم که همیشه در علل
وقایع تاریخی فکر ننماید نه خود وقایع .
آقای ابوالحسن اردبیل - اشعار
شما در شماره های بعد درج خواهد گردید .
آقای حسن عامری - مقاله شما
تدریجاً در شماره های بعد درج خواهد شد
آقای محمد شوری - اشعار شما
خوب است و امر لازم است ذین آنرا
اوضه نماید .



پهلوی مارتینوسی

آذربایجان

مدیر: ع. شبستری	اداره در حركت و اصلاح
سر دبیر: ا. شمس	و درج مقالات وارده
عنوان تلگرافی	آزاد و مختار است
نامه آذربایجان	وجه آبونمان:
جای اداره: خیابان تربیت کوچه	سالانه ۸۰ ریال
پناهی روبروی دبیرستان پرورش	ششماهه ۵۰ ریال
	عجالتاً هفته دو بار منتشر میشود
بهاء اعلانات: صفحه ۲-۲ ریال صفحه ۳-۱/۵ ریال	

بهاء تك شماره: ۵۰ دینار بعد از سه روز یکریال

شماره ۴ سال ۱۳۲۰

(فأشر افكار جمعیت آذربایجان)

۴ شنبه ۲۱ آبان ماه

روزنامه آذربایجان اولین روزنامه ایست که از طرف يك جمعیت و برای رساندن مرام و منظور او بجامعه در آذربایجان منتشر میشود روزنامه آذربایجان سعی دارد: اوضاع اجتماعی گذشته و حال را تشریح کرده - علل اصلی مفاسد اقتصادی و اخلاقی جامعه را تشخیص داده - و مرحله سوم راه چاره عملی برای رفع فشارهای اقتصادی و اصلاح مفاسد اخلاقی جامعه پیدا کند.

هر دو اشتباه می کنند!

نظر براینکه اخیراً مقاله ای در یکی از روزنامه های دولت همجوار ما نوشته شده و باره از روزنامه های تهران نیز آنرا بهانه قرار داده مدتی است که در آن موضوع قلم فرسایی مینمایند ما نیز خواستیم سرمقاله امروز خود را برای این موضوع تخصیص دهیم:

البته در ادوار مختلفه تاریخ ثابت گردیده است که آذربایجان همیشه مهد تمدن و مرکز افکار آزادخواهی بوده و همواره اهالی آن در راه وطنپرستی و حریت پیشقدم شده اند و در عین حال در راه آزادی قربانی را نیز آنان داده اند. ولی با وجود اینهمه فداکاریها علت چه بوده که مردمان بیچاره این سرزمین همه وقت در زیر فشار و ظلم زندگی کرده و تا خواسته اند (الف و ز) آزادی را بر زبان آورند مشتبهی آهنگین وقوی بسر آنان کوفته شده و دهان آنان را با دستهای محکم بسته اند! و این ملت تا خواسته است قد خود را راست نماید از نعمتهای دنیوی سهل است حتی از روشنائی آفتاب نیز محروم شده و دسته دسته بزندانهای تاریک فرستاده شده اند و تا آخرین لحظه حیات کلبه آزادی را در زبان جاری نموده و بارزوی آزادی جان شیرین خود را سپرده اند!

آیا برای این نیست که مردم این سرزمین خون نیاکان خود را حفظ نموده و تبدلات روزگار و فشارهای سیاسی گواسته اند سر سوزنی خلل و خدشه در ملیت و مردانگی آنان وارد آورد؟ آیا این نیست که مفرضین بی برده اند که روح جوانان این خاک، پاک و منزه بوده هرچه میگویند از روی عقیده بوده و هرچه عمل میکنند مطابق ایده آل و آمالی است که در قلب خود دارند؟ و مقام آنان بالاتر از آنست که وطن و ملترا فدای آمال دیگران نموده و برای اغراض شخصی خود از ملیت، دین و ناموس

خود نیز بگذرد؟ آیا این نیست که مفرضین میخواهند احساسات پاک و مقدس این جوانان را کشته و تا آخرین حد امکان نگذارند راستکاری و جوانمردی در این سرزمین قوت گیرد؟ چه این را در مردان موانع بزرگی برای پیشرفت جنایتکاریهای مفرضین بوده و آنان نمی توانند با وجود این جوانان با عمل شنیع خود ادامه داده ملت و وطن خود را در مقابل مقام و پول بفرروشند!

این وطن فروشان برای اینکه موانع سر راه خود را از بین ببرند و با آزادی بتوانند خیانتهای خود را انجام دهند، چاره جز این نیافته بودند که آزادخواهان و جوانان فداکار این خاک را باقتضای زمان هر آن بعنوانی متهم نموده خود را خیرخواه وطن و مات جلوه داده آنان را خائن قلمداد کنند. در این وقت کدام محکمه بود که بداد آن بیچارگان رسیده سخنانشان را بشنود؟ و کدام اشخاص میتوانند از آنان دفاع نموده حقیقت را آشکار نمایند؟

حال که ملت ستم دیده این سرزمین میخواهد کم کم از زیر فشارها و ظلمهای استبداد خلاص شده و نفسی آزادانه بکشد باز همان خائنین و وطن فروشان قدیم میخواهند با استناد نوشته های دیگران آن را متهم نمایند تا شاید امروز هم بدینوسیله بتوانند گلوی آنان را در مرتبه فشرده و آنان را از زندگی جدید محروم نمایند. زهی بی انصافی! زهی نامردی!! من از آنان ستوان میکنم که آیا اهالی این خاک بتقصیر اینک در تحت تأثیر محیط و یا سایر عوامل زبان مخصوصی پیدا کرده است باید روی آزادی نیند؟ و همیشه در اسارت و زیر ملامت بسر برد؟ آیا آنان میتوانند انکار کرده بگویند که آذربایجانی نیستند؟

اخطار مهم

اداره روزنامه آذربایجان محل اولیه خود را عوض نموده و به خیابان تربیت کوچه پناهی روبروی دبیرستان پرورش انتقال یافته است.

آیا چرا آقایانیکه زبان را وسیله ای برای سرکوبی و اتهام ما قرار داده اند این تمثها را به اهالی شهرهاییکه در مرکز مملکت بوده و آنان نیز مثل ما بزبان مخصوصی حرف میزنند به آنان اسناد نمیدهند؟ آیا چرا بخاطر آن آقایان خطور نمیکنند که اهالی عربی زبان خوزستان ممکن است روزی ملحق به عربستان بشوند؟ آیا مگر این آقایان نمیدانند که تأثیر زبان در ملیت از اصول قدیمه بوده و حال نمیتوان زبان را مدرک ملیت قرار داد؟

ما آن آقایان را مخاطب قرار داده میگوئیم که آنان دچار اشتباه شده اند و این حملات و اتهامات فقط برای این است که روح آزادی ما را کشته و تا ابد ما را در اسارت و بندگی نگاهدارند. ما با صدای بلند فریاد میزنیم که ما هیچوقت بوطن و ملت خود خیانت نکرده و نخواهیم کرد، و با این حرفها نیز از وطن پرستی و ملیت خود دست بردار نیستیم. از طرف دیگر پاره اشخاص میخواهند از موقع استفاده نموده و دامنه این اتهامات را توسعه دهند تا شاید بتوانند بدینوسیله از آب گل آلود ماهی بگیرند. آنان را نیز مخاطب قرار داده میگوئیم که آنان نیز اشتباه نموده اند چه چنانکه تاریخ نشان داده است اخلاق، عادات، نژاد، و محیط ما با اخلاق، عادات، نژاد و محیط آنان فرسنگها فرق و فاصله دارد و اساس ملیت اخلاق و آداب است نه زبان. و بآنان میگوئیم که نوشته های های شما جزاینکه بهانه ای بدست مفرضین داده و ما را متهم نمایند اثر دیگری ندارد.

انقلاب فکری لازم است

-۳-

تاریخ ثابت نموده است که در این انقلابات ملت آلت پاره اغراض بوده است که آن اغراض در پس پرده نپان بوده و پیشوایان انقلاب هرگز از آنها اطلاع نداشتند. آنان میرقصیدند ولی آنکه میرقصانید شناخته نمیشد. در حقیقت میتوان گفت که نتیجه انقلاب برای رقصاننده خیلی خوب بود ولی باید سوال نمود که آیا برای ملت نیز مفید واقع شد یا نه؟ بعقیده ما این انقلاب نه تنها برای این ملت بد بخت و جاهل مفید واقع نشد بلکه بضرر او نیز تمام گردید.

ممکن است سؤال نمایند که انقلاب مشروطه از چه حیث برای ملت ایران مضر بوده است؟ ما در جواب میگوئیم: وضع انقلاب ایران عیناً مثل کسی است که از فن کشتیرانی ابداً اطلاعی نداشته و ما فقط برای حفظ ظاهر، لباس ناخدا باو پوشانیده و بجای ناخدای کشتی بنشینیم و اختیار یک کشتی و صدها سر نشینانش را باو بدهیم. آیا در این صورت تصور کنید چه خطراتی متوجه این کشتی و سر نشینانش بوده و چگونه آنان را بدست خود بدیار فنا میفرستیم!

همین است که میگوئیم در انقلاب مشروطه مردم ایران هنوز خام بوده و برای ایجاد یک حکومت مشروطه صحیح مستعد قابل نبودند.

البته مسلم و آشکار است که انقلاب آن نیست که چندین نفر دور هم جمع شده و بزور سر نیزه خانه مردم را چپاول نموده و عدای را بناوین مختلفه متهم کرده خون آنان را بریزند و با این ترتیب قدرت و هیبتی پیدا کرده حکومت سابق را براندازند و خود بجای آن بنشینند بلکه مادامیکه افکار این اشخاص برای انقلاب حقیقی مهیا نشده است، انقلاب بی نتیجه بوده و حکومتیکه جدیداً تشکیل میشود فرقی با حکومت سابق نخواهد داشت. بقیه دارد.

برای حفظ حقوق

فکر و کوشش لازم است

محتاج توضیح نیست این همه اختراعات محیر العقول که ابناء بشر اعماق اقیانوسها و فضای آسمان را زیر استیلای خود قرار داده همه زاده فکر و ثمره کوشش است.

در تعریف فکر کفایت است که حضرت رسول اکرم ص یکساعت فکر را بعبادت سالها ترجیح داده است همچنین حضرت سید سجاد عرض کرده (خدایا چه داده بکسانیکه فکر و عقل نداده و چه نداده بکسانیکه فکر و عقل داده) و یکی از فلاسفه بزرگ گفته است اگر رئیس یک خانواده خوب فکر کند روزگار ایشان مقرون بسعادت خواهد شد - اگر تمام افراد آن خانواده فکر کنند که چه میکنند و چه باید کند خوشی روزگار ایشان ضرب المثل وانگشت نما خواهد گردید. اینکه نوع بشر خود را از فرشته بالاتر میداند اگر فکر و عقل و روح را کنار گذاریم جز یک مشت گوشت و پوست و ... نیمه ماند

با این مقدمه بتمام هموطنان محترم یاد میدهم که در این روزهای ترسناک هر کس در نوبه خود باید تکان شدیدی بافکار خود داده و برای حفظ حقوق حقه خود کلاه را قاضی کرده و برای تامین سعادت خود فکر اساسی بکند و بدور هم جمع گشته بادلای پراز مهر و محبت و عدل و شرافت از فکر و دست و قلم هم استمداد کنیم دیوانه وار و بی قید رشته زندگانی خود را بدست طوفان حوادث نسپاریم و مانند کبک سربه برف فرو نبرده و غافل نباشیم. ای برادران دینی وای هموطنان باهمت فکر کنید که نیاکان ما در راه آزادی و حفظ حقوق و حیثیت چه فداکاری و جانبازی کرده و در گذشتند حالا این وظیفه مقدس را برای ما بودیم نهاده اند پس بر ماست که بر خیزیم از حق آزادی و حیاتی خود دفاع کنیم و بر ماست که بهوش باشیم دستهای ناپاک و عناصر ماجراجو را از میان دور کنیم تا جائیکه نزد وجدان خود شرمند و شهرت نیک نیاکان را برایگان از دست ندهیم.

البته همه میدانند که بدن انسانی از گوشت و پوست و رگ تشکیل یافته و هر یک از اعضا و وظیفه ویژه دارند ولی عملا همه آنها منظور واحدی (حفظ بدن) دارند هر گاه یکی از اعضا بطوری که لازم است ایفای وظیفه نکند کشور بدن مختل و از نعمت هستی محروم خواهد شد و اگر زنده هم باشد همواره با درد ورنج و ملال گذرانیده زندگانی بی لذت و بی ثمری را خواهد داشت - حال جامعه نیز عین همان وضعیت بدن است چنانکه

آقای مدیر محترم روزنامه آذر بایجان

در شماره اخیر آن روزنامه گرامی در موضوع نرخ نرخ بحث وزیر عنوان (قلب و کلاه برداری) شرحی نگارش یافته - نظر بر اینکه منتظریم صاحب مقاله فرمایش خود را خاتمه داده و مقصود از نوشتن این مطالب بی اساس و وهن آور بیک موسسه ملی و مدیر آن بهتر واضح و امضای صاحب مقاله معین گردد تا بنا بر آن جواب لازم نوشته شود ولی عجالت این را به اطلاع علاقه مندان میرساند که بر طبق میل صاحب مقاله در جلسه هفتم مهر ماه ۱۳۲۰ هیئت وزیران تصویب نامه شماره ۱۰۰۰۹ و کمیسیونهای تعدیل نرخ مسوجات و مصنوعات کشور را بکلی لغو نرخ نخ و کلیه محصولات داخلی و همچنین حمل آن از محل بجملی آزاد شده - با صرف نظر از ذکر اینکه بواسطه ندادن پنبه بمقدار کافی از طرف دولت وثابت بودن هزینه جاری کارخانه این قیمت ها هم برای کارخانه صرفه دار نیست - این بنگاه بدلیل اینکه از ۲۵ تا کارخانه کشور تنها یکی دوتا در آذربایجان است و جزء همیشه تابع کل میباشد مجبور است قیمت و سایر عملیات خود را با سایر کارخانجات کشور وفق دهد تا بتواند از هجوم اشخاص استفاده جو برای مختصر استفاده خودشان بهره جزی حاضر هستند جلوگیری نماید و مدتی است مطابق میل صاحب مقاله دخالت پیشه و هنر و نرخ نخ در بین نیست و برای وارد کردن آن ندر سابق ونه فعلا هیچ مانع نبوده و نیست هر کس میتواند برای مصرف خود و یا فروش از هر نقطه کشور آزادانه وارد نماید - خواهشمند است عین این نامه را در اولین شماره روزنامه درج فرمایند شرکت سهامی ریسنده گی و بافندگی آذربایجان

شیخ اجل فرموده :

بسی آدم اعضاء یکدیگر نند که در آفرینش زیگ گوهزند چو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضو هارا نماند قرار اگر افراد کشوری وظیفه وجدانی خود را بخوبی انجام ندهد و عقلا و فکرا و اخلاقاً و عملاً نیرومند نباشند و از راه عدالت منحرف شوند در مقابل حوادث تاب مقاومت نیاورده بایک وضعیت اسف انگیز و غیر شرافتمندانه زندگی کرده و در جزو تابوتیان بشمار میرود (هر که را غیرت نباشد زندگی بیجا کند) طلوعیان

آزادی !!

آقا یا نیکه کلمه آزادی را در هر موقع و در هر جا تلفظ کرده و بهانه بهر گونه اقدامات بصرفه روز خود از نفع شخصی خود دفاع میکنند آیا می توانند معنی این کلمه را با توضیح بدهند که مقصود از کلمه آزادی یعنی میخواهند چه بگویند و یا چه میخواهند و از چه دفاع میکنند؟ کلمه آزادی را آنچه کتابهای قاموس لغت معنی میکنند یعنی یک شخصی که در افعال و گفتار از زمانی ترس نداشته باشد این شخص را آزاد میگویند و یا یک ملت در افعال و گفتار و روش کار خویش در مملکت خود مانعی نداشته و استقلال کاملی داشته باشد آن ملت آزاد است خلاصه معنی تحت اللفظ آزادی فقط خود مختاری است یعنی یک نفر حمال و یا یک نفر مالک و یا تاجر حق مساوی دارند و می توانند در خیر و شر مملکت اظهار عقیده و اعتراض و رضایت داشته باشند حال به بنییم تشکیلات مملکت ما از آن زمانیکه باسم مشروطه و آزادی تاسیس یافته کسی توانسته اظهار عقیده بکند که این تریاک و این میخواری و آزادی فاحشه خانه بصرفه کدام افراد کشور بوده از مبدء تشکیلات مشروطه در کشور ما رواج یافته و بنیاد این ملت را بیاد فنا میدهد و همه در وقت یادآوری اظهار تنفر و اعتراض مینماید. پس اگر ما تیم مختار این مملکت و استقلال این ملت دست ما بوده و آزادی داشته ایم پس چرا این تاسیسات شرم آور و خطرناک را از بین نبرده ایم پس اگر ما آزادی داشته ایم چرا تاکنون نتوانسته ایم بگوئیم بچه چهارده ساله و یا بیست ساله ثروتمندان و مالکین از کجا و در کجا درس قانون گزاری خوانند و از طرف که وکیل شده مسند و کالت را از طرف ملت در دارلشورا و قانونگزاری اشتغال کردند پس اگر ما آزاد بوده ایم چرا نتوانستیم مانع تغییر قانون اساسی که در موقع تغییر سلطنت قاجاریه و ترویج و تحمیل کارهای نامشروع غیر قانونی و مانع ترویج مذهب اسلام و تبلیغ ضد مذهب در مملکت بشویم و اگر ما آزاد بوده ایم پس چرا نتوانستیم بگوئیم این همه تحمیل مالیات و مانع کسب و زراعت مردم و انحصار تجارت مردم فقیر و سیر کردن معدودی از ثروت مندان برای چه بوده اگر برای آبادی کشور و اصلاح امور دفاعیه بود پس چه شد مالیات ما از همه ملت بیشتر خرابی از هر جا زیادتیر مفلوکی و ناخوشی و نا امنی در هر جا موجود و رشوه خواری دیگر از حد گذشته و دیوار مملکت بروی

هر کس باز بوده و هر ملتی می توانست با رشوه وارد شده اسمش را ایرانی گذاشته نام و نشانی ایرانی تحصیل کرده و هر نوع نا- ملایمات و مقصود خود را انجام داده و آن شخص ناصالح که هزاران بول و حقوق از ما گرفته و اختیار خودمان را به آن سپرده میگوئیم در مقابل این مزد هنگفت که شما از این ملت فقیر و مفلوک و سفلیس و تریاکی میگیرید و چه کاری انجام میدهمد و چرا این بلاها مارا احاطه کرده حفظ نمیکنی آقایان البته خواهید بخشید می خواهیم اصل قضیه را که این همه سالهای متمادی با چشم باز و دل هوشمند تماشاچی افسال شما شده ا ابراز کنم و شما البته تصدیق خواهید فرمود ماملت و کشور ایران بیک کشتی می مانیم که نه ناخدا دارد نه بادبان و نه سکان در میان دریای نامتناهی سرگردان اختیارش بدست بادهای مخالف و امواج بوده باشد هر جا میلشان می خواهم آنجا میبرند و هر دقیقه میتوان پیشینم کرد که ممکن است این امواج این کشتی را بصخره های بزرگ ساحل زده داغوا و پراکنده شده و هر چه در او هست در اعما دریا جاگیر و این ملت بیچاره طعم نهنک ها باشد . اگر شما راستگو و وطن خواه باشید خود خواهی را کنار گذاشته عود این کلمه عیب کار را جستجو کرده عقده میگردی از قانون که بادست ا ثروتمندان و مالکین بغیر از جمع کرد و زیاد کردن ثروت خود مذهبی و مسلک و شرافتی قائل نبوده قبول نکرده چشم امید می بریدی و وانگهی د شخصی را هنوز نزناییده که قابل این قانون که بتوان گفت از هر حیث تک بوده باشد کجا مانده اشخاص باغر جاهل که از برای یکشاهی زیاد کسب هزاران فرسخ راه را بیموده و بهر از جنایت اقدام میکنند کی میتواند قان ایجاد کند که بصرفه عموم موجب آس و سلامتی بوده باشد اینست که اشخ مملکت ما رفیق دزد همراه قاقه بوده هر حرفی و هر فعلی و هر تعبیری که او کشور اجرا میشود برفع تجارت تر خودشان است مقصود بغیر از جمع کسب ثروت و حفظ آن از هیچ اقدام خسر شرافت و عفت با عقب نمیگذارند و هر گوسفندان آنها که با آزادی مطلقا بهر سو میتوانند کشیده و شیر مارا بدست و بعضا از شیر ما و بچه ما چشم پوز خودمان را سر بریده هستی ما را بیاد و کلمه آزادی که میگویند فقط همینست که اختیار ما دست آنها باشد و هر چه دلشان بخواهند در خصوص ما و ک اجرا کنند . حسن عامری

آیلماز!

غم چکمه عم اوغلی هله بو ملت آیلماز
 آج، لوت قلا دایم چکمه مین ذلت آیلماز
 مشروطه ایچون توکدوله بو شهرده قانلار
 قانون اساسی دیدی، جان ویردی جوانلار

آخرده گنه حکمران اولدی بیزه خانلار
 گچیدی باشینا توربا داها امت آیلماز!
 غم چکمه عم اوغلی هله بو ملت آیلماز
 هر عصرده توش اولدی بلایه یازیق ایران
 اوله وشدی سپر جور و جفایه یازیق ایران

سون گونده اسیر اولدی رضایه یازیق ایران
 چکدی نه قدر رنج و ستم محنت آیلماز!
 غم چکمه عم اوغلی هله بو ملت آیلماز
 ایرانلی اسیر دور اونی قول خلق ایدوب اله
 حقین طلب ایتسه اولاجاق ارضده گمراه

لازم دگیل ایرانلی هر ایشدن اول آگاه
 چوق برك باتوب اولسا نه قدر صحبت آیلماز
 غم چکمه عم اوغلی هله بو ملت آیلماز
 اسرافیل اگر سوری چخوب عرشده چالسا
 هیچ دورمیا جقدر نه قدر بو دالی قالسا

گر مخلوقین احوالینی مندت خبر آلسا
 هر کس، دیریم قورخما چاتوب فرصت آیلماز
 غم چکمه عم اوغلی هله بو ملت آیلماز
 ایرانلی کرک اولسین آمانده آزاد
 قان آغلیوب ایتسین کرک او ناله و فریاد

دوشمز باشا، ایتمز ابد صحت آیلماز!
 غم چکمه عم اوغلی هله بو ملت آیلماز
 همیشه یورقاین آلتندا بو بدبخت نیجه باتمش
 چیقیر نفسی فیس فیس ایدر قان تره باتمش

توپ گلله سسی عالم امکانی اویاتمش
 واه واه اونی قویماز دورا بو غفلت آیلماز
 غم چکمه عم اوغلی هله بو ملت آیلماز
 بیرگون گله جک من گورورم دیک دورا جاقسان
 اطرافه باخوب باشه جوت اللی ویرا جاقسان

هربرده گیدوب بو بنووی مطلق بورا جاقسان
 ویر اوندان (ریاسین) سوزیمه قیمت آیلماز!
 غم چکمه عم اوغلی هله بو ملت آیلماز
 بی ریا

ملت آئینه می!

الله بیزه رحم ایلمه بیزی ایلمه خوار
 ای کرم کانی، کرم قیل، بزی غمدن قورتار
 قویدی لیللاج فلک ششدر حیرتده بزی
 باغلیوب هر طرفی یوخدی بیزه راه فرار
 فکر دریا سنه غرقم دیری لیکدن مایوس
 باخورام هر طرفه یوخدی بو دریا به کنار
 بینوا ملتسون احوالنه یاندی اوره گیم

اوندا کیم ویردی قضا پنجه سی زوریه فشار
 گورنجه مملکت اهلی دوزولوبلر صف
 بونی چکنده پریشاندا یلا بیکار و فکار
 نه آله وار نه ویریش سلب اولوب امنیت
 اغنیالر گوتوروب باش هره بر شهره قچار
 الی قونوندا قالبوب بکسره اصناف لرون

هانسینی دیندیرو سن شیون ایدر قان آغلار
 صبحدن شامه کمی ایشلری حیرتدی خیال
 اوتوروبلار بو اونا، اوبونا، حسرتله باخار
 تازه بر ایش تاپلوب شهرده بیکار لره
 هره بر تخته قویوب کوچه ده اوینورلا قمار
 ایلیوبلر یولی اشغال گات بنده دوشور

صبحدن شامه کمی ایشلری جنجالیدی شار!
 گون که باتدی کچه دن گچدی ایکی اوچ ساعت
 قویماقچدی، دوت اونی نعره سی افلاکه چنار
 بری فریاد ایلیور قویما آپاردی ایوی می
 بری سسلر دی گوروم کبله قاسم سیزده نه وار؟
 هله ایندی نه سو بوخ واردی نه قار وار نه کولک

قورخ او گوندن یاغا گویدن بره پامبوق کیمی قار
 بولرم اوندان بزم شهر بزمون حالی نولور؟
 هامی بیکار بو بانداندا سوویوق لار باشلار
 یغشون فکر ایلیون شهرده بیکار لره
 قویمیون ایشلین انسان لری قالسون بیکار
 قورخورام قش گله بوندان پس اول خلقون ایشی

اودی که آنلادیقیم مطای قدیم اظهار
 قلمندر

به آقایانیکه

مقاله یا شهر روزنامه میفرستند
 آقای رضائی - اشعار شما در شماره
 های بعد درج خواهد گردید .

آقای شبستری - اشعار شما در
 شماره های بعد درج خواهد گردید
 صاحب امضای (اوزاخندان باخان)
 دو قسمت از اشعار شما در شماره های بعد
 درج خواهد گردید .

آقای مشوفی - مقاله شما با کمی
 اصلاح درج خواهد گردید

بانو روئین دست - نوشته شما
 در شماره های بعد درج خواهد گردید

صاحب امضاء کیفسین - اشعار شما
 در شماره های بعد درج خواهد شد ولی
 لازم است ذیل آنرا امضاء نمایند

صاحب امضاء بلبل - اشعار شما
 در شماره های بعد درج خواهد گردید

آقای محمد شوریده - اشعار شما
 امضا ندارد لازم است امضا نمایند

آقای ج ۴ - مقاله شما در شماره

تمنی

از آقایانیکه مقاله یا شعر روزنامه
 میفرستند تمنی میشود که انتقاد خصوصی
 را در نظر نگرفته و در نوشته خود
 اشخاص را مخاطب قرار ندهند بلکه
 هر چه مینویسند سعی نمایند که راجع به
 جامعه و عموم باشد تا زنده نبوده در
 عین حال برای اصلاح حال جامعه مفید
 واقع شود .
 آذربایجان

بعد درج خواهد گردید

آقای علی آقا سلمانی - اشعار
 شما در شماره های بعد درج خواهد گردید

آقای قربان کنگری - مراسله
 شما بجهت جانپودن در شماره بعد درج
 خواهد شد .

آقای سلامی - مقاله شما در شماره
 بعد درج خواهد گردید

بعد درج خواهد گردید

حقیقتی اولان کوچک حکایر

قندین تازه قیهمتی

یا بو گونکی احسان!

آلدینمز خبره گوره بو تازه لقددا
 قهوه خانه لرده اوتوران بیکار لره چوخ
 اوجوز قیتمه قند ویریلور . بو احسانین
 ترتیبی بیله نقل ایدر لره که هر گون بر-
 باره سالم واحسان ویرن آلامر کوچه
 لرده و بازار لرده دولاشوب هره سی
 بر توربا بو کولی کاغذ اللرینده قهوه -
 خانه لره وارد اولولار . بو کاغذ لری

قهوه چیه تاپیشروب دیورلر : اوراده
 اوتوران لره دیون که هر کس اون دانه
 او کاغذ لردن صندوقه سالوب کوتوگون
 کنیرسه اونا مفته سینه بر کیلو قند
 ویریله جقدر !

بز بوخیر خواه والی آچیق آداملر-

تصحیح

۱- در شماره قبل در ضمن ستون :
 (باقایانیکه مقاله یا شعر روزنامه میفرستند)
 آقای منجم زاده نوشته شده بود آقای
 فنجیم زاده صحیح میباشد .

۲- در شماره دوم روزنامه در
 ستون مخصوص به (حقیقتی اولان کوچک
 حکایه لر) خفه شدن حاج رضا چایچی
 رانوشته بودیم لذا اسم مزبور اشتباهی
 بوده و بجای آن مشهدی یوسف چایچی
 می باشد .

بن بو احسان ویرمگیدن چوخ تشکر
 ایدبروخ واونلاره توصیه ایدبروخ که اگر
 جای چورگی ده بو قیمت ویرسه لر تولا-
 مبارچیلرده اونلاردن راضی اولوب و
 بوندان صورنا یهن یرینه بو کولی کاغذ
 یاندیره جاقلار !
 آذربایجان

ملت ناله لرین میوه سی



تا چمن آفا داشلار! نتمکین مارام توپارام پارلمان داغسون

ملتین ناله لری !

باد صبا، دی مجلسه یو خدی سیزه وئوقمز
 عهدوزه ایتمدوز وفا یو خدی سیزه وئوقمز
 ملتیه وعده ایلدوز جان و دلایله خدی
 بزله زحمت آرتیروب سیزلره فالدی خجلیتی
 آتش فتره یاندروب محو ایلدوز بو ملتیه
 ایندی بیر اوزمه رنگله سقله قوییه یون حنا
 باد صبا دی مجلسه یو خدی سیزه وئوقمز
 عهدیزون اوسته نولدی بس ای وکلادا یانمادوز
 ملتین حال زارینه بیرجه دقیقه یانمادوز
 خانه ایلدوز کمک حقدن هیچ اوتا نامادوز
 خلقی قویوب فشاره سیز یکسره ایلدوز گدا
 باد صبا دی مجلسه یو خدی سیزه وئوقمز
 سیز دیمدوز بو ملتین حالینی یادیدن بیزوخ؟
 غصه لی بینوالرین قلبنی شاد ایدن بیزوخ؟
 نطق و قلم آچیق بولوب حق سوزده داد ایدن بیزوخ؟

باد صبا دی مجلسه یو خدی سیزه وئوقمز
 پنجه وکیل اولان اولور، دوزدی حمایت ایتماقا
 نه دوشیری بو فکر یله خلقه سیادت ایتماقا
 سیز که وکیل سوز ولی ملتیه غارت ایتماقا
 باد صبا دی مجلسه یو خدی سیزه وئوقمز
 ملتین آه و ناله سی ابتدی اثر او مجلسه
 آیریلان و آه دل بمب توکر او مجلسه
 بمب فغان بینوا و برسا شرر او مجلسه
 بیر ایله حمله قلبدن ملتیمیز اولور رضا
 باد صبا دی مجلسه یو خدی سیزه وئوقمز
 آه دل ضعیف اگمر ایسه خراب مجلسی
 جهد ایلیون که یانماسون حیفدی باب مجلسی
 ساخیلاجق ستون کبی مثل حباب مجلسی
 بیر تری که مجلسه واردی وفالی آشنا
 باد صبا دی مجلسه یو خدی سیزه وئوقمز
 < هوش سیز ! >

آذربایجان

اداره در حرك و اصلاح
و درج مقالات وارده
آزاد و مختار است
وجه آبونمان :
سالیانه ۸۰ ریال
ششماهه ۵۰ ریال
عجالتاً هفته دو بار منتشر میشود
بهاء اعلانات : صفحه ۲-۲ ریال صفحه ۳ - ۱/۵ ریال

بهاء تك شماره : ۵۰ دینار بعد از سه روز یکریال

شماره ۵ سال ۱۳۲۰

(فاشر افکار جمعیت آذربایجان)

۱ شنبه ۲۵ آبان ماه

وزنامه آذربایجان اولین روزنامه ایست که از طرف يك جمعیت و برای رساندن مرام و منظور او بجامعه در آذربایجان منتشر میشود. وزنامه آذربایجان سعی دارد: اوضاع اجتماعی گذشته و حال را تشریح کرده - علل اصلی مفاسد اقتصادی و اخلاقی جامعه را تشخیص داده - و در مرحله سوم راه چاره عملی برای رفع فشارهای اقتصادی و اصلاح مفاسد اخلاقی جامعه پیدا کند.

اسرار موفقیت

محتاج توضیح نیست که در این اواخر در اثر پیش آمدهائی حکومت استبدادی سابق برافزاده و در نتیجه مژده آزادی به آنان داده شد و حال مردم این سرزمین می توانند آزادی دردهای خود را فاش نموده و آنچه تا حال در اثر فشارهای ظالمانه حکومت قدرت گفتن نداشتند بگویند. ولی باید دانست که آیا تنها اسم آزادی کافی است که این ملت بدبخت حقیقتاً آزاد شده و درین راه موفقیت کامل را بدست آورند؟

بمقیده ما تنها اسم آزادی و ظهور چند نفر معدودی از نویسندگان و منتقدین برای بدست آوردن آزادی حقیقی کافی نبوده و چاره درد این ملت را نمی کند بلکه عواملی وجود دارد که در حقیقت اسرار موفقیت در آنها بوده و باید هر فرد از افراد ملت از آنها آگاه شوند و خود را موظف بر اعانت بدانند.

برای پیدا کردن این عوامل لازم است که تاریخ نهضت هائیکه درین سرزمین بوجود آمده است از نقطه نظر اجتماعی و معرفه النفسی مطالعه نموده و عللی را که باعث شدند پیشوایان آن نهضت ها هوانستند نتیجه قطعی و اساسی از آنها بگیرند و مردم این سرزمین را بطور دائم از دست استبداد و جهالت خلاصی دهند پیدا نماییم.

بمقیده ما یکی از علل عدم موفقیت نهضت های سابق این بود که پاره اشخاص که ظاهراً خود را آزاد بخواد قلمداد نموده ولی باطناً غیر از بدست آوردن مقام یا پول مقصود دیگری نداشتند خود را داخل نهضت طلبان نموده انقلاب و آزادی خواهی را وسیله ای برای اغراض شخصی خود قرار داده بودند. این عمل باعث شد افراد ملت که مستقیماً عامل این نهضت ها نبودند تصور نمودند که تشکیل جمعیت و حزب و آزادی خواهی فقط برای این است که عده ای مردم را فریب داده

انقلاب فکری لازم است

-۴-

در حقیقت اولین فدائیان و پیشوایان انقلاب حقیقی اشخاصی هستند که بتوانند انقلاب فکری تولید نموده مردم را به معایب جامعه و حکومت آشنا کرده و در ضمن راه چاره اصلاح آنرا نیز به آنان نشان دهند تا افراد ملت از روی ایمان و عقیده برای رفع آن معایب کوشیده و آنرا را تعقیب و انقلابی ایجاد نمایند.

از شما سؤال می کنم آیا این بدبختیها که فعلاً جامعه ما دارد در اثر انقلاب غلط مشروطه ایران نبود؟ آیا اگر افراد ملت تابع احساسات نبوده هر چیزی را از نقطه مفید بودن آن بجامعه دقیقاً مطالعه میکردند و بظاهر سازبهای یکنفر که میخواست بدان وسیله زمام امور را بدست گیرد گول نمی خورد و در اعمال و رفتار او قضاوت صحیح مینمود آیا بچنین روزهای مذلت گرفتار میشد؟ آیا اگر افراد ملت بحقوق حقه خود آشنا شده کسی را که از اختیارات ملی خود سوء استفاده نموده و بضرر ملت و وطن بکار میبرد عزل کرده و دیگری را بجای او می نشانند دیگر کسی میتواند فعال مایه شده ملت و وطن را فدای منافع شخصی خود بنماید؟

حال ای برادران و ای هموطنان آگاه شوید این دهنه سوم است که تاریخ این سرزمین بانقلاب و آزادی برخوردار است بدانید که باز ملت ما نه پخته و افکار آنان برای انقلاب حقیقی تربیت نیافته است. سعی نمایم انقلاب فکری ایجاد کرده آنان را از حالت رکود و خمود خلاصی دهیم تا بیست سال دیگر از عمر این ملت بیچاره را تلف ننموده و شاید بتوانید هر چه زودتر آنان را به سر منزل حقیقی برسانید.

این است که ما با صدای بلند می گوئیم که ای نویسندگان، ای شعرای ملی، ای علماء، ای واعظین و ای خطباء بگوئید و بنویسید که این بار سنگین بگردن شماست و شما می توانید

و بدین بهانه اختیار مال و جان آنان را بدست خود بگیرند. چنانچه همین امروز هم متجاوز از دو ثلث افراد ملت همین عقیده را داشته وقتی اسم جمعیت یا حزبی را می شنوند فرسنگها از آن گریزان شده و اشخاصی را که در آن جمعیت جمع شده اند جز یکدسته مردم شاید و کلاه بردار و بی بدین تصور نمیکنند.

البته ما آنان را درین تصور محق میدانیم و آنان را سرزنش نمی کنیم چه چنانکه گفته شد اغلب احزاب و جمعیت ها که درین سرزمین بوجود آمده مرام و مقصود ثابتی نداشته و عمل آنان با گفتار شان مطابقت نموده است ولی ما می خواهیم بهم وطنان خود بجهانیم که جمعیت ما را با آن جمعیت ها قیاس ننمایند چه جمعیت ما بانیست پاک و از روی ایمان و عقیده تشکیل شده و میخواهد جامعه خود را اصلاح نماید و بنیان ظلم و استبداد را ازین سرزمین کنده و بجای آن درخت آزادی را بکارد. جمعیت ما خود را برای فراهم آوردن راحتی هموطنان خود وقف نموده و آرزو مند است روزی را به بیند که برادرانش از زیر فشارهای اقتصادی و تعدیات مغرضین خلاص شده با آسایش و آزادی زندگانی نمایند. این است که ما هموطنان خود را مخاطب قرار داده میگوئیم که ما را بانظر پاک نگرید و در مساعدت ما بکوشند و برای اینکه کاملاً وثوق آنانرا جلب کنیم با آنان اختیار میدهیم که اگر انحرافی در گفتار و رفتار ما مشاهده نمایند که بنظر آنان مخالف مصالح جامعه و ملت تصور کنند پشت پرده نگفته و علناً گفتار و اعمال ما را انتقاد نمایند و ما را وادار با اصلاح خبط های خود بکنند تا بدین وسیله ما را براه راست هدایت نموده و بجامعه خود نیز خدمتی را انجام دهند.

بقیه در صفحه ۲

قابل توجه جناب آقای استاندار از قرار اطلاع واصله از عطیه های شاهانه مبلنی نیز برای ققرای آذربایجان تخصیص داده شده و اخیراً برای تقسیم آن ترتیبی در نظر گرفته شده است ما مخصوصاً توجه جناب آقای استاندار را باین نکته جلب مینمائیم که توجه نمایند مبلغ مزبور مثل سابق تقسیم نشده و برای منظورهای خصوصی و شخصی صرف نشود و اصل الا هم بالا هم را در نظر بگیرند. بمقیده ما نظریه اینکه فقر و بیچارگی روز بروز شدت کرده و زمستان نیز در رسیده است قبل از همه چیز لازم است خانواده های بی بضاعت تبریز که حقیقتاً مستحق رحم و عطوفت هستند یادداشت شده و میان آنان تقسیم شود تا بدین وسیله آسایش ققرا فراهم شده در ضمن کمک بزرگی بامنیت شهر بشود.

تشکر و تقدیر

ما از هیئت آکتورال میرزا فتحعلی آخوندوف که اخیراً بتبریز آمده و نمایشهای جالب توجه خود را بمعرض تماشاگذارده اند فوق العاده تشکر نموده و مخصوصاً از آن بلبل شیدا که حقیقتاً با نغمه های دلنشین خود در این فصل خزان بوی بهار بشام ما رسانید تقدیر مینمائیم و این شعر ادیب بزرگوار آقای بهار را در حق او میسراریم: بلبل پر بسته ز کنج قفس در آید نغمه آزادی نوع بشر سرای

دعوت از اهل ذوق

نظر بر اینکه هیئت آکتورال جمعیت آذربایجان تشکیل شده و عنقریب هیئت موسیقی نیز تشکیل خواهد یافت لذا از آقایانیکه هوسکار و اهل ذوق هستند دعوت میشود که در هیئت های مزبور اسم نویسی نمایند. دفتر جمعیت هر روز غیر از روزهای تعطیل از ساعت ۱۱ تا یک بعد از ظهر برای اسم نویسی باز است.

ملت را از گرداب جهالت نجات داده براه راست هدایتش نمایند فرصت را دریابید که ففلت باعث بدبختی و بدنامی شما بوده پشیمانی نیز سودی نخواهد داشت

اسرار موفقیّت

بقیه از صفحه اول

عامل دیگری که باعث عدم موفقت نهضت های سابق شده همانا بیعلاقه گی افراد و طبقات باصلاح جامعه خود بوده است. میتوان گفت که این نیز در نتیجه عامل اولی بوجود آمده و نظر براینکه افراد ملت عملاً آزادی، وطن و ملت را آلتی برای اغراض شخصی دیده اند، لذا طبعاً بوطن و ملت خود بی علاقه بوده و از مداخله در آزادی و اصلاح امور ملت کناره گرفته اند.

ما برادران و هموطنان خود را مخصوصاً باین نکته جلب مینمائیم که این بیعلاقگی ایشان باعث شده است که اشخاص خائن و وطن فروش قوت گرفته و آنان را بذلت و بیچارگی امروزی گرفتار نمایند. ما از آنان سوال می کنیم آیا آنان از افراد این ملت نیستند؟ آیا فکر نمی کنند که انتخاب و کلاء از حقوق حقّه آنان بوده و پارلمان برای آنان تشکیل میشود؟ آیا نمیدانند که در نتیجه بیعلاقگی ایشان بود که مغرضین و وطن فروشان در پارلمان جمع شده اند؟ و آیا علت اینهمه بدبختی ها و فشارهای اقتصادی که فعلاً نیز بآنان گرفتارند، پارلمان نبود؟ آیا قوانینی که برای اضمحلال اخلاق، دین، ناموس و ثروت ملت پیشنهاد میشد در پارلمان کذائی تصویب نمیشد؟

هان ای برادران تاکی این غفلت و بیعلاقگی، تاکی بخائنین خود اختیار میدید که مال و جان و ناموس شما را بدست بگیرند و تاکی خود را بدست تقدیر خواهید سپرد؟ چرا باز از خواب غفلت بیدار نمیشوید و از آزادی خود استفاده نمی نمائید؟ دریابید که وقتی بیدار خواهید شد که فرصت از دست رفته و باز خود را در دست مغرضین گرفتار نموده اید.

در خاتمه از گفته های پیشین خود نتیجه گرفته میگوئیم که هر نهضت و انقلابی باید یک پشتیبان ملی داشته و متکی به ملت خود باشد. و اسرار موفقیّت در اتحاد است و بس ما هم هموطنان و ملت خود را پشتیبان خود دانسته آنان را دعوت میکنیم که برای اصلاح جامعه آسایش و آزادی ملت ما، یاری نمایند تا دست بهم داده بتوانیم این کشتی شکسته را بساحل نجات ببریم.

اداره روزنامه جمعیت آذربایجان

در شماره ۱ جدول توزیع قندرا ملاحظه نموده حقیقتاً راه حلی بودجه جلوگیری از گران فروشی ولی طریقه که جناب آقای استاندار با صلاح دید کمیسیون امور شهر عملی می نمایند که یک نفر از موقین اهل محل با ذکر شماره پلاک از روی شناسنامه مصرف ماهانه را برآورد کرده ورقه صادر نمایند و افعلاً آنهم نقشه خوبی است چند روز قبل حاجی جواد کاغذچی جهت توزیع قند بنا بدستور کمیسیون نماینده به بخش ۵ انتخاب و مدتست در محله اهراب مصرف هر خانوار را از روی شناسنامه پس از مشاهده مهر و ورقه صادر مینمایند از آنجائیکه بنده تنها بدم جهت صرفه جوئی کاغذ با یک نفر علویه نام و پنج نفر دیگر که در یک محله همسایه هستیم در یک ورقه صورت ریز نوشته مسترد فرمودند موقع خریدن قند متصدی شعبه فروش بعد از مهر کردن شناسنامه اعتراض کردند که این شناسنامه از حوزه آذرشهر صادر شده بایست از آنجا خریداری نمایند ما نمی توانیم بدهیم از قرار معلوم (اگر سابقاً یک نفر شناسنامه از سفارت ایران در ژاپون اخذ نموده باشد باید از توکیو قند خریداری نماید) بالاخره بعد از گفتگوی زیاد و اسرار مردم مهریکه زده بود باطل شد نوشته حالاً شناسنامه بنده ازدو جا مهر خورده و در یک جا باطل شد نوشته اند و موفق به گرفتن سه چهارم کیلو قند نیز نشده ام و به علویه خانم هم نداده فرمودند ایشان هم مشمول قانون اضافه حقوق صد درصد شد و بانها هم نمیرسد.

اولاً ورقه پلاک ۸۵۱۴ را ملاحظه فرمایند که مال دونفر را نداده اند در ملاحظات آن قید شده یا نه خواستارم ثانیاً خلاصی بنده را از دست علویه خانم چاره نمایند که هر روز دوبرتبه مراجعه می نمایند که قند چطور شد ثالثاً نمی دانم شاهکارهای ورقه شناسنامه تا کدام وقت ادامه خواهد یافت دربدو تاسیس احصائیه خطا شده شناسنامه بنده از ماشین سن سازی جهت ناشی بودن مکانیک کوچک بدرآمده بعد از هشت سال زحمت با مخارج گزاف دوباره ورقه را اصلاح کردند حالا هم معلوم نیست سن بنده چند است البته ماشین فوقرا هر کس درنوبه خود آزمایش کرده احتیاج به توضیح نیست منظورم از مراتب بالا اینست بی جهت جدول رسم ننمائید اصلاح پذیر نیست.

ما راجع باین موضوع نظریه خود را بعداً خواهیم نوشت.
آذربایجان

آقای مدیر محترم روزنامه

آذربایجان

مستدعی است امر و مقرر فرمائید یک فقره حادثه جگرسوز را که روز پیش در مرند پیش آمده در روز نامه درج نمایند شرح حادثه بقراری است که در پائین عرض میشود:

میرعلی نام فرزند میر صالح چهل ساله روز یکشنبه ۲۰/۸/۱۱ پس از ظهر مفقود میشود روز سه شنبه خبر میرسد که جنازه وی در امام زاده احمد افتاده و از طرف گردن بضریح بسته شده مادر بیچاره اش با کسان خود موی کنان و مویه کنان بمحل مزبور شتافته بقدری ضجه و ناله و بی تابی میکنند که از خود بیخود می گردد سپس آقایان رئیس دادگاه باتفاق رئیس شهربانی و رئیس آگاهی و پزشک بهداری در همان محل حضور رساننده جنازه را مشاهده و معاینه مینمایند پزشک بهداری چنین رای می دهد که قضیه مسبب خارجی نداشته و بلکه در اثر عارضه سکتته فوت کرده ولی هنگام اجرای مراسم غسل مشاهده میشود که بیضه های متوفی سخت فشرده شده و علاوه گوشتهای انگشتهایش در اثر سائیدگی در زمین رفته بود قراین و احوال چنان نشان میدهد که میر علی مزبور هنگامیکه در امامزاده مشغول نماز بوده مرتکب برای ربودن وجهی که در کیف داشته باجاری همچو عمل ستمگرانه مبادرت ورزیده نظریه که آقای دکتر مسعود طبیب زاده پس از معاینه خصوصی ابراز کرده همین نظریه فوق را تأیید میکند چنانکه اولیای معظم دولت شاهنشاهی در این موضوع توجه بیشتر و اقدام جدی تری بعمل آورند حقیقت موضوع کشف شده مرتکب به کيفر کردار ناهنجار خود رسیده و اهالی بیش از پیش بمواطف مصادرامور مستظهر خواهند گردید. قربان کنگری

آگهی

۲۵ دینار و یک ربع دینار عراقی و بعلاوه سه لیره اسکناس سوریه را درین راه میانه - تبریز مفقود نموده ام هر که پیدا کرده به آدرس زیر بیاورد مؤدگانی مکفی تقدیم خواهد شد.
تبریز - بخش ۲ کوچه ممتاز پلاک شماره ۱۴۵۲ عصمت نیلی

بشارت

آقای ابوالقاسم اسکندانی که یکی از آزادیخواهان پاک و صالح آذربایجان بوده و هفت سال در مجلس قاجار بسر برده اند دیروز وارد تبریز شده اند.

تشکر

آقای مدیر محترم روزنامه آذربایجان خواهشمند است برای تشویق کارمندان جدی و علاقمند دولت دستور فرمائید نامه را که بضمیمه فرستاده میشود در روزنامه آذربایجان درج نماید.

روز ۱۳-۸-۲۰ ساعت ده صبح قالیچه خوبی از منزل اینجانب سرقت رفته بود مراتب بکلانتری بخش ۵ اطلاع داده شد عصر همان روز از طرف کلانتری بخش ۴ سارق دستگیر و قالیچه نامبرده بلافاصله بجنود اینجانب تسلیم گردید.

بدینوسیله بامورین شهربانیکه در انجام وظایف خود فوق العاده جدیت مینمایند تشکرات خود را تقدیم مینمایم.
حیدر قلی دهبلی

همچنانکه تشویق در اصلاح اخلاق اجتماعی مفید میباشد تنبیه نیز برای اشخاصیکه مضر جامعه بوده و از اختیارات خود سوء استفاده مینمایند لازم است.
آذربایجان

تشکر و اعتذار

از آقایان نیکه در مصیبت وارده شرکت و این بنده را مشمول مراسم خودشان فرموده اند فوق العاده متشکر و اگر بواسطه تالیفات روحی تاخیری در شرفیابی بشود عرض اعتذار مینمایم
رضا رضوانی

فقید مرحوم آقای رضی رضوانی یکی از آزادیخواهان پاک آذربایجان بوده است و ما بدین وسیله بیازماندگان آن مرحوم اظهار تسلیت مینمائیم.
آذربایجان

به ارباب قلم

اداره روزنامه آذربایجان تصمیم گرفته است که بعد از این برای مقالات و یا اشعاریکه وارد شده و پس از تصویب در روزنامه درج میشود جوایزی قرار داده و پس از درج برای صاحبان مقالات یا اشعار بفرستد. آذربایجان

اخطار

اداره روزنامه آذربایجان محل اولیة خود را عوض نموده و به خیابان تربیت کوچه پناهی روبروی دبیرستان پرورش انتقال یافته است.

دیمه لای لای منه !!

هامی یاتمشلار او یاندی دمه لای لای منه!

باخورام اوزگه زماندی دمه لای لای منه!

آج کوزون عالمه باخ هامی یاتانلار اویانوب
مطلبون نولدوقتی داغدا چوبانلارده قانوب

اودیکه قانیله دنیا اوزی یکسر بویانوب

رحم قل ایندی اماندی دیمه لای لای منه

باخورام اوزگه زماندی دیمه لای لای منه

آیدا بیر یول تپا بیلدز یاقا کارگر ات
کیمیوب اگنته کونیک، آچلاندا ن شرکت

فقرا اولدی غنی توپلادی بی حد ثروت

بونلارون ظلمی عیاندی دمه لای لای منه

باخورام اوزگه زماندی دیمه لای لای منه

بر جماعت ایلیوب کامیجه تحصیل مرام
جور و ظلمیله ایدوبلر فقرا صبحنی شام

بزه تصویب اولونوب نان جوین اولدی حرام

ظلمی گور عرشه دایاندی دمه لای لای منه

باخورام اوزگه زماندی دیمه لای لای منه

فصل گل گچدی، گلوب یابدا اولدی سپری
اسیری باد خزان ایندی توکور برگ تری

ایوده یوخ خاکه کمور قار دوتا جاق رهگذری

بوشلا، فکریم نگراندی دمه لای لای منه

باخورام اوزگه زماندی دیمه لای لای منه

دیدوخ ایراندادا بر سوکلی قانون اولجلاق
عدل و انصافله ما فوقله مادون اولجلاق

فقرا بلمدوق آخر بیله مقبون اولجلاق

ایشلاروز چاپدی، چاخاندی دیمه لای لای منه

باخورام اوزگه زماندی دیمه لای لای منه

شکر و قندیله سرگرمی باشون عمو جان
قالاجاق کلهده ساتسان منه اون بدی قران

منفعت بو قدر اولماز، بونا سویلرله تالانت

بونو ملت هامی قاندی دمه لای لای منه

باخورام اوزگه زماندی دیمه لای لای منه

ایلدوز یاخشی بلا تیرینه آماج بیزی
قویوسوز دهرده بیر چولمکه محتاج بزی

سور موسوز قانیزی ایشله دوسوز آج بزی

یورولوب خلق دایاندی دیمه لای لای منه

باخورام اوزگه زماندی دیمه لای لای منه

ملتون آجلارنی بس نه ایچون یوخلا موسوز
ثروتی جمع ایلیوب هانسی گونه ساخلاموسوز

قافله منزله بتدی هله سیز یوخلا موسوز

یا ما قیم ایندی زباندی دیمه لای لای منه

باخورام اوزگه زماندی دیمه لای لای منه

قولدور!

قویما چیغیر سین!

شیطان دیوری دورت گده نی قویما چیغیر سین

رسوای ایلمدی هر گله نی قویما چیغیر سین

بوش بوش یغوب اطرافنه هر کون جهلانی
گاه ملتی تنقید ایلیور گاه وکلانی

تشویشه سالوب سوز لری یکسر عقلانی

آل قارینیا سوخ قدره نی قویما چیغیر سین

رسوای ایلمدی هر گله نی قویما چیغیر سین

مندن سوروشوردی او گیجه شیخین عالی
هاردان بو کیشی علم اوخویوب اولدی ضیاءلی

وادور بو چیغیرماقدا اونون اوزگه خیالی

خوش گورمه یورم منظره نی قویما چیغیر سین

رسوای ایلمدی هر گله نی قویما چیغیر سین

ابلاغ ایلیور هر کسه آنجاق بومرامی
قویما تیپله مجلس شورایه حرامی

خلقیق نظرینده گورورم اولدی گرامی

قیزدیردی گنه معرکه نی قویما چیغیر سین

رسوای ایلمدی هر گله نی قویما چیغیر سین

مخلوقه چیغیریر کلمه لری قدرت و قوت
ایلیور وطن اولادینی حریتسه دعوت!

هر یرده دییور یوخ بو وکیلرده مروت

باشلیر تازادان مسخره نی قویما چیغیر سین

رسوای ایلمدی هر گله نی قویما چیغیر سین

وار نیتی دورسون - گنه یاتمشلار اویانسون
فکر ایله سین اوز آتیه سین عینی قانین

قیرسین جلووی رکن سعادتده دایانسون

آچسین داغی گیچسین دره نی قویما چیغیر سین

رسوای ایلمدی هر گله نی قویما چیغیر سین

ایستر وکلاء پارلمانه اولماسون عازم
سویلر دگیل حاشا بو وکیل لر بیزه لازم

آلمه اثر ایلمدی راز و نیازیم

هیچ ویرمردن دن قمنی قویما چیغیر سین

رسوای ایلمدی هر گله نی قویما چیغیر سین

چک تر ایشقا من تانیوم بیر او جنابی
به به نه قشنگ ساده (ریا سیز دور) خطابی

باشدان ایاقا شمریله دولدوردی کتابی

آنلاندی بیزه مسئله نی قویما چیغیر سین

رسوای ایلمدی هر گله نی قویما چیغیر سین

۰۴ بی ریا

وارده

مدیر محترم جریده آذر بایجان

در شماره ۳ صفحه ۲ جریده شریفه

شرحی از طرف (قبا آبی) درج شده

بود مایه بسی حیرت و تعجب گردید که

اگر این قبا آبی حقیقتا نظامی بوده

و از انضباط و قوانین نظام آشنائی داشته

و بخوبی میدانند که افسر و سرباز همیشه

مطیع امر و دستور مافوق است. پس

بنا بر این قبا آبی جز مغلطه کاری و

اجرای نظریه شخصی منظوری نداشته

بدیهی است اگر دستور غلطی از طرف

مافوق در نظام داده شده باشد مسئول

آن زیر دستان نخواهد بود.

قبا زرد!

ایوده قویوب و باسلامشدیلار. ینه ده

اوستا قولونون قومته امیدوار اولوب

حاجی نی اوتوردوب بیوک امبری اجینون

دیشنه یرلشدردی.

هر قدر زور و یروب دیش چقمادی

حاجی حالدان گیدوب اوستا ال چکمدی!

شاگردیله برابر گوج و بروردیلر. آخر

دیش عوضنه حاجی نین انگین چقارمشدلار

ایندی اون اون ایکی گوندر که حاجی

یاتارقی اولوب اوچ دورت حکیم حاجی

نون انکنه طبابت ایدرلر معلوم دگل

که حاجی بو یاتا قلقدان صاق سلامت

قورتولا بولور یا یوخ!

حاجی بوخوری

کناردن کلن ترکی مقاله

آلدیفهز خبر لردن

تبریزده جمعه مسجد بازارندا استاد

غضنفر دلاکین دکاتندا سون گونلرده

دوشن اتفاق لارین نتیجه سنده هر کس

لوز نوبه سنده بقال - قند فروش - بزاز

گنه کهنه اصوللاری باشلا یوب و آزاد -

لقه یتش مشلر. استاد غضنفر دلاکدا

بو آزادلقدان استفاده ایلیوب اوزکهنه

دمیر امبرلرین دیش چقارماقدان اوتری

دکاتندا حاضر لامشدی!

حاجی که اوزون بر وقت

دیش آغرسنا گرفتاریدی و تازه اصولی

دیش حکیم لرینه رجوع ایلیوب و اوز

پاک آغزنی فرنگی درمانلارینان نجس

ایله مکدن چوخ چوخ آغزی گلردی!

گیچن هفته لرده باشین فرخدرما -

خندان اوتری استاد غضنفرین دکاتنه

گلوب گوزی دیش چقاردان امبرلره

دوشوب و چوخ سوونمشدی. سونرا

اوز دیش غریسین ودیش حکیم لریندن

آغزی گلله سین استاد غضنفره حکایت

ایلیوب هر ایکی سی مین لعنت تازه -

ایشلره و تازه حکیم لره ایلیوب سونرا

حاجی دیشین چقارماقا حاضر لاشدی.

حالبوکه استاد غضنفرده مدتلر امبرلری



امانندی قویما اولدانقاز او شاق او یانسون
 یوخسا بیزی دنگ ایلوب سوزومزه باخیا جاق
 هامی یاتمیش لار او یانندی دیبه لای لای منه !

فوق العاده آذربایجان آخرین اخبار تلگرافی خارجه

قیمت سی دینار

لندن - بقرار اظهار خبرگزاری فرانسه خبرگزاری انگلیس از قرار محافل سیاسی واشنگتن اطلاع داده که ممکن است دولت آمریکا و انگلیس از نو مشترکاً برای پایان دادن به جنگ فنلاند و شوروی اقدام نمایند طرحتی که این دو دولت به فنلاند عرضه خواهد داشت بدولت فنلاند تضمین کافی خواهد داد که از این پس امنیت فنلاند بهیچوجه مورد تهدید قرار نخواهد گرفت در همین محافل اظهار شود که پاسخ اخیر دولت فنلاند به آمریکا ظاهرأ راه را برای اقدام این بازگذاشته است جبهه تولا خبر-گزاری شوروی خبر میدهد دیروز آلمانیها در این نقطه بودند ولی امروز جز اجساد اینها خبر دیگری در اینجا نیست اینجا در دهکده محقر (روگوژینکی) واقع در سمت جنوب شهر شدیدترین جنگها برای دفاع تولا بوقوع پیوست تقریباً مدت دو هفته اربابهای جنگی فاشیستها همواره در صدد آن بودند که رشته مسلسل خانه های این دهکده را شکافته راه آنجا را توی تولا مسدود سازند پاتزده نوبت دشمن مبادرت بحمله کرد و تمام این پاتزده نوبت سربازان واقعه داسلین حملات اربابهای جنگی دشمن را دفع کردند آلمانیها متوحش شده از هر طرف میدوند و بر زمین میافتادند و باز بر میخواستند سپس فریاد هلهله سربازان شوروی بلند شد و دشمن فرار اختیار کرد در هر قدم اثر فرار دشمن دیده میشود و مسلسل و تفنگ و صندوقها ی مین در سر راه انداخته است کلبه های کلی آلمانیها حقیقت حال نیروی آلمان را بر ما معلوم میدارد يك تن آلمانی يك روپوش پنبه یا ریسمان دور خود پیچیده بود یکی دیگر نیم تنه زنان در برداشت دیگری نیز برده را بگردن خود پیچیده بود پیش از این مادر سنگرهای آلمانیها بطریقه های شراب و جعبه های شو-کولات می یافتیم اکنون در سنگر های آنها جز نان خشکی و سیب زمینی خام زردی چیز دیگر دیده نمی شود یکی از اسیران میگفت نیروی هوایی شما مجال نمیدهد که خوار بار و سوخت برای خود بیاوریم.

پاریس - خبرگزاری فرانسه اظهار میدارد خبر مرك غم انگیز هوئتزیکر در بیرون پاریس تأثر واند-وه فراوانی پدید آورد مادام هوئتزیکر خانم ژنرال

فقید پس از شنیدن اینخبر از پاریس بسوی ویشی عزیمت کرد و وزیر دارائی و وزیرای رأی زنی که در منطقه اشغال شده بودند نیز دیروز بسوی ویشی حرکت نمودند.

لندن- خبرگزاری انگلیس اظهار میدارد خبر تجدید نظر در قانون بیطرفی آمریکا دیشب خیلی دیر بلندن رسیده بطوریکه روزنامه های بامداد نتوا-سته اند تغییراتی بآن بنویسند تنها یکی در ستو-نهای چند به غیر مهم کنگره آمریکا اختصاص داده اند روزنامه دهلی مسیل مینویسد این تصمیم کنگره در حکم يك پیروزی بزرگ آزادی است و تحقیق در گوش هیتلر و نفاقوس مرك صد خواهد کرد تصمیم تازه کنگره آمریکا دولت آمریکا را از قید مواجبه که در راه آن موجود بود و نمی گذاشت کمک آمریکا بطور کامل و مستقیم به مقتضی برسد و بدین ترتیب عمر جنگ را هر چه زودتر بی پایان رساند از میان برداشته شده است لایحه تفسیر قانون بیطرفی که در کنگره آمریکا تصویب شده گره طنابی را از مدتی پیش برگردن ادولف هیتلر افتاده فشرده تر و حلقه را تنگتر کرد روزنامه بورکشاایرست نیز در این باره چنین مینویسد این تصمیم قدم مهمی در راه اجرای تصمیم آمریکا بكمك انگلیس است زیرا نماینده اینست که آمریکائیان دریافته اند که رساندن کمک کامل به انگلیس بدون تحمل فدا-کاری و قبول خطر از جانب ملت آمریکا ممکن نیست از طرف دیگر این تصمیم ثابت می کند که رئیس جمهوری آمریکا و قسمت اعظم از آمریکا-شیان مضمم هستند که تنها اسلحه لازم جنگ را تهیه کند بلکه خود نیز این مراد جنگی را در اسرع اوقات و با مقادیر روز افزون به مقتضی برسانند

ستاد پیشوای آلمان - اعلامیه های اخیر آلمان مشعر بر آن است که در شبه جزیره کریمه نیروی آلمان بنزدیکهای کرچ رسیده نهر و بندر کرچ زیر آتش توپخانه آلمان قرار گرفته نیروی هوایی آلمان در نزدیکی سیاستول توپهای کرانه شوروی را از کار انداخته و در آبندر تاسیسات مهم لشکری را خراب کرده بدو کشتی بزرگ بازرگانی آسیب وارد نیرو-ی دشمن هم که مشغول تخلیه کرچ میباشد از جانب

هوا حمله هائی شده در طی این حمله هوا بیماهای جنگی ما دو کشتی مخصوص حمل و نقل نیرو را بمجموع کنجایش آنها ۵۵۰ تن میشد غرق کرده اند در دیگر قسمتهای جبهه خاور نیز موفقیتهای محلی نصیب آلمانیها شده نیروهای شوروی با شدت فوق العاده در سیاستول دفاع میکنند فرماندهی عالی شوروی میداند که آلمانیها بزودی وارد قفقاز خو-اهند شد و نیروی هوایی آلمان شهر کرچ و آنا با واقع در شمال توزورسکی و توانسی بمب ریختند.

لندن - در پاسا لاند رئیس کمیسیون امور دریائی آمریکا اطلاع داده است که در طی ۸ ماه اول سال ۱۹۴۱ متجاوز از ۴۳۶ جایگاه کشتی ساخته شده و حال آنکه در سال گذشته بیش از ۱۵۶ جایگاه ساخته شده در همان مدت ۲۴۹ کشتی بر آب افتاد و حال آنکه در سال ۱۹۴۰ فقط ۶۰ کشتی بآب انداخته شده و عده کثیری از ناوشکنهای که مجدداً داخل خدمت و چندین کشتی آلمانی و ایتالیائی که همدا غرق شده بود از آب به در آمده و آماده خدمت شده اند جبهه کالنین خبر گذاری شوروی اطلاع میدهد حمله که آلمانیها از سمت جنوب به کالنین حمله متقابل دلیرانه واحدهای ما مصادم شد در دو از دهم نوامبر دهمن باد و لشکر مبادرت بحمله نموده این جنگ شدید تبدیل به يك حمله از طرف آلمانی ها گردید که از آن جلو گیری شد نیروی ما با حمله های دلیرانه خود در آن روز آلمانی ها را از بهست ناحیه بیرون کردند در نقطه بارچی که تکیه گاه آلمانیها میباشد نیروی ما با احراز موفقیت مشغول جنگ میباشد در یکی از این جکتهاسه گروهان دشمن نابود گردید سوار نظام شوروی تحت فرمان اسرولر بوسیله حمله شدیدی آلمانیها را از نهب ده بیرون کرد نیروی ما در تمام مدت شب مشغول جنگ بود به آلمانیها تلفات سنگین دادند در دهگده که از دست آلمانیها گرفته شده ده قبر افسر و دو دست قبر سرباز دیده شده دشمن مجال نکرده بسیاری از کشته های خود را با خاک هموارد یکی از اسیران اظهار داشته در جبهه کالنین بسیاری از سربازان آلمانی فرار کرده اند.